

## زنان روستایی و مهاجرتهای فصلی مردان (با تأکید بر پیامدهای اجتماعی، فرهنگی)<sup>۱</sup>

محمد عفتی \*

### چکیده

مقاله حاضر حاصل پژوهشی درباره آثار مهاجرتهای فصلی مردان بر فعالیتهای زنان روستایی مانده در روستا در سه استان کشور است. در این مقاله سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که با مهاجرت موقت مرد خانوار روستایی به شهر و مناطق دوردست، فعالیتها و کارهای مربوط به وی را چه کسانی (در غیابش) انجام می دهند، و زنان این خانوارها در نبود همسرانشان در روستا دچار چه مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شوند. همچنین تأثیرپذیری مهاجران از زندگی و شرایط محیط شهری چه تأثیری بر سبک زندگی خانوار و زنان روستایی دارد.

بررسیهای انجام شده نشان می دهد که با مهاجرت مرد خانوار و اقامت چندماهه وی در شهر، اکثر وظایف مربوط به وی در مدیریت خانه و همچنین فعالیتهای خارج از خانه بر دوش زن خانوار سنگینی می کند. به مرور زمان این مسئله موجب به هم ریختگی تقسیم کار جنسیتی در روستا و همچنین تغییر در نقشهای جنسیتی خانوار می گردد. در این بین خانوارهایی بیشتر تأثیرپذیرند که هسته‌ای بوده، از حمایت روابط سنتی حاکم بر خانوارهای گسترده بی نصیب هستند. با توجه به حاکمیت برنامه ریزی توسعه روستایی مبتنی بر تقسیم کار جنسیتی سنتی در کشور (عمدتاً مردمحور)، سعی گردیده بر مبنای نتایج به دست آمده در زمینه تغییر نقشهای جنسیتی پیشنهادهایی داده شود.

## کلیدواژه

مهاجرت فصلی، زنان روستایی، آثار و پیامدهای مهاجرت، جنسیت، نقش زنان.

### مقدمه

رشد جمعیت، محدودیت عوامل تولید، فصلی بودن فعالیتهای کشاورزی و... در مناطق روستایی از یک سو و وجود فرصتهای اشتغال در مناطق شهری از سوی دیگر موجب شده است که هر ساله تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروی فعال روستاها به امید اشتغال به کار، روستای محل زندگی خود را ترک و به شهرها مهاجرت کنند. این افراد که عمدتاً مردان جوان و میان‌سال هستند، برای تأمین معیشت به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند و اوقاتی از سال را به دور از خانواده می‌گذرانند و سپس با کسب اندکی درآمد به خانه و کاشانه خویش مراجعت می‌کنند. اکثریت این مهاجران کسانی هستند که بدون اعضای خانواده و به تنهایی و گاهی نیز همراه دوستان هم‌سن و سال خویش روستا را ترک و به نقاط دیگری عزیمت می‌کنند.

بدیهی است هنگام حضور مرد خانوار در روستا، بنا به وظایف و مسئولیتهای مربوط به نقش جنسیتی خویش، ممکن است فعالیتهایی را انجام دهد که با مهاجرت وی به نقطه‌ای دیگر، این وظایف و مسئولیتهای تعطیل یا به افراد دیگری محول شود. اینکه چه نوع تقسیم کار جنسیتی در حال حاضر بین زن و مرد در مناطق روستایی ایران وجود دارد و مهاجرت فصلی مردان به مناطق شهری چه تأثیراتی می‌تواند بر این نقش جنسیتی داشته باشد از جمله مسائلی است که تا به حال درباره آن تحقیقی در کشور انجام نگرفته است. این در حالی است که حجم مهاجرت و جابه‌جایی‌های این‌چنینی در روستاهای کشور درخور توجه است. بنابراین این موضوع نیازمند مطالعه همه‌جانبه و عمیق است. به این منظور این طرح پژوهشی تدوین و مورد تصویب قرار گرفت و مطالعات آن از سال ۱۳۷۹ ه. ش شروع شد و در سال ۱۳۸۱ ه. ش به پایان رسید.

### طرح مسئله

مسئله بررسی شده در این تحقیق، بررسی آثار مهاجرت فصلی مردان بر فعالیتهای زنان

روستایی بوده است. در این بررسی به دنبال این مسئله بوده‌ایم که مهاجرت موقت مردان خانوارهای روستایی به مناطق شهری چه تأثیری بر فعالیتهای زنان روستایی مانده در روستا داشته و دارد، و این امر موجب چه تغییراتی در نقش و فعالیتهای زنان روستایی می‌شود. به عبارت دیگر، با رفتن مرد خانوار از روستا و گذراندن ایامی از سال (حداقل یک ماه) به دور از زن و فرزند خویش، وظایف، مسئولیتهای و نقشهای خاص وی به چه کس یا کسانی منتقل و این مسئله چه تأثیری بر فعالیتهای روزمره تعریف‌شده برای همسر (زن) وی داشته و او با چه مسائل و مشکلاتی مواجه می‌شود.

اقامت طولانی مرد روستایی در شهر و زندگی در شرایطی متفاوت با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روستا خواه‌ناخواه موجب تغییر نگرشها و رفتارهای وی می‌شود که این تغییرات در برگشت به روستا و نحوه رفتار او با اعضای خانواده به‌ویژه زن خانوار نمود می‌یابد. با توجه به مسائل فوق، اهم پرسشهای ما در این بررسی این بوده است که بدانیم کم و کیف مهاجرت‌های فصلی چگونه است (مدت‌زمان مهاجرت، مقصد، فصل، نوع فعالیت در مقصد و...)؛ مهاجرت مرد خانوار چه تأثیری بر نقشهای جنسیتی موجود در خانواده داشته؛ آیا انتقال موقتی فعالیتها به زن خانوار منجر به تغییر نقش جنسیتی موجود در روستا شده است؛ با مهاجرت موقت مرد خانوار، تقسیم کار جنسیتی موجود بین زن و مرد دچار چه وضعیت و تحولی می‌شود؛ حجم فعالیت زنان در بود و نبود مرد خانوار چگونه است، و این مهاجرت چه تأثیری در این مسئله دارد؛ و مسائل و مشکلات زنان خانوارهای دارای مهاجر فصلی چیست. پاسخگویی به این پرسشها و روشن‌سازی ابعاد و جوانب آن از جمله مسائلی است که در این بررسی به دنبال آن بوده‌ایم.

### اهداف تحقیق

هدف عمده این تحقیق بررسی آثار مهاجرت فصلی مرد خانوار بر تغییر نقشهای جنسیتی موجود در روستا، تقسیم کار جنسیتی موجود در خانواده، شیوه زندگی (الگوی رفتاری) زن خانوار و حجم فعالیت روزمره زنان دارای همسر مهاجر فصلی بوده است. علاوه بر آن، بررسی

خصوصیات مهاجران فصلی و خانواده آنها، بررسی اشکال مختلف مهاجرت فصلی در روستاهای مطالعه شده و بررسی مسائل و مشکلات همسران مردان مهاجر فصلی عمده ترین اهداف فرعی بوده‌اند.

### ضرورت تحقیق

براساس اطلاعات موجود، اکثریت استانهای کشور دارای مهاجرتهای فصلی نیروی کار فعال به شهرها و مناطق مختلف کشور بوده و این روند هر ساله رو به رشد است. در سالهای اخیر، این روند حتی از مرزهای جغرافیایی کشور نیز فراتر رفته و شامل مهاجرت مستقیم مردان روستایی به سایر کشورها نیز شده است. گرچه این مهاجرتها منشأ درآمدزایی زیادی برای بیکاران روستایی، به ویژه در ایام فراغت روستاییان از کار و تلاش در روستا (عمدتاً فصل زمستان) شده است، مشکلات متعددی نیز برای اعضای خانوارهایشان که در روستا مانده‌اند به همراه آورده است.

پیامدهایی از قبیل بی سرپرست شدن خانوار، مدیریت امور خانه و انجام حجم زیاد کار روزمره توسط زنان که شاید توانایی و آمادگی لازم را جهت این امور نداشته باشند، دوری و تنهایی، انتقال وظایف به زنان و دختران باقی مانده در روستا و... همگی گواه بر انجام مطالعه و شناخت درست مسائل فوق از یک سو و برنامه ریزی صحیح و همه جانبه از سوی دیگر است؛ مسائلی که چنانچه برای آن اندیشه و اقدام مناسبی نشود، بسیاری از خانوارهای روستایی را دچار مشکل خواهد کرد. اینکه چه وظایف و مسئولیتهایی با رفتن مرد روستا به زن خانوار منتقل می شود، میزان و نوع ایفای نقش آنان در این زمینه چگونه است، دیگران (آشنایان و فامیل) در این زمینه چه سهمی را برعهده دارند، و مسائل و مشکلات زنان روستایی در غیاب همسرانشان چیست، از موارد مهمی است که تا به حال مورد بررسی کارشناسی و علمی قرار نگرفته است.

نگاهی به فعالیتهای و نقشهای موجود در روستاهای کشور طی دهه های اخیر نشان می دهد که در اثر مهاجرت های دائمی و موقتی، بسیاری از نقشها و فعالیتهای قبلاً مردانه قلمداد می شد امروزه توسط زنان و دختران روستایی انجام می شود، اما برنامه های آموزشی و ترویجی ما

هنوز به روش تفکیک نقش‌های جنسیتی است. شناخت این مسائل و دسته‌بندی آنها می‌تواند برنامه‌ریزان روستایی را در گسترش برنامه‌های مورد نیاز آموزشی و ترویجی در زمینه ارتقای سطح مهارت و دانش زنان خانوارهای مهاجر جهت فائق‌آمدن بر این مسائل و مشکلات و همچنین ایفای مناسب نقش‌های جدید یاری رساند.

علاوه بر آن، با آگاهی از کم و کیف مهاجرت‌های فصلی، اعم از انگیزه‌های مهاجرت، مدت مهاجرت، مبدأ و مقصد مهاجران، خصوصیات خانوارها و روستاهای مهاجرفرست، خصوصیات اقتصادی و اجتماعی مهاجران و ... می‌توان به برنامه‌ریزی امور مربوط به مهاجران و ساماندهی مناسب آن همت گمارد.

### مبانی نظری تحقیق

#### نقد منابع موجود

تا به حال تحقیقی درباره آثار مهاجرت فصلی مردان بر فعالیتهای زنان روستایی در کشور انجام نشده است. لذا این نوع تحقیق در کشور موضوعی بکر و تازه است و این بررسی می‌تواند مقدمه‌ای جهت شروع طرح‌های جدید در کشور باشد. موضوع مطالعه گرچه در سایر کشورها نیز بررسی نشده، لیکن موضوعات مشابه در برخی کشورها بررسی شده است. برای نمونه می‌توان به مقالات گردآوری شده در کتاب *زنان و مهاجرت فصلی نیروی کار*<sup>۱</sup> اشاره کرد.

این کتاب حاصل سه مورد مطالعه در زمینه ابعاد جنسیتی مهاجرت در سه ایالت هندوستان شامل اوریزا<sup>(۱)</sup>، کارالا<sup>(۲)</sup> و ماهاراشترا<sup>(۳)</sup> است. در این کتاب که هر فصل آن حاصل کار یک فرد است، سعی شده است آثار مهاجرت فصلی در سه نوع فرایند انتقال (مردان مهاجر و زنان مانده در روستا، مهاجرت گروهی زنان ازدواج کرده و دختران مجرد، و مهاجرت درون قبیله‌ای خانوارهای روستایی در هند) مرتبط با انواع شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی و سه نظام معیشتی (جنگل، شیلات و کشاورزی) بررسی و مقایسه شود.

(1) Orissa

(2) Karala

(3) Maharashtra

در این زمینه‌های مورد بررسی سعی شده است آثار مختلف مهاجرت (فصلی و دائمی) بر سه مقوله نقش‌های جنسیتی، روابط جنسیتی و انگاره‌های جنسیتی مورد بررسی قرار گیرد. مفهوم جنسیت در ابتدای کتاب عبارت است از بنیان اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی که به‌مثابه ویژگی‌های مردان و زنان در نظر گرفته می‌شود، که به مقولات اجتماعی نظیر طبقه، قومیت، مذهب، سن و وضعیت تأهل بستگی دارد. در این کتاب دو مقوله آثار مهاجرت بر روی زنان مهاجر و تأثیر مهاجرت مردان بر روی زنان مانده در روستا بررسی شده است. در بررسی ادبیات موضوع به دو دیدگاه متفاوت درباره آثار مهاجرت بر روی زنان اشاره شده است: دیدگاه نخست این است که مهاجرت مردان موجب بدتر شدن وضعیت زنان می‌شود، یعنی موجب افزایش حجم کار زنان در روستا و همچنین وابستگی زیاد آنها به مردان می‌شود؛ از دیدگاه دیگر، مهاجرت مردان موجب سودمندی زنان در نقش‌های جنسیتی آنها در تولیدمثل و همچنین افزایش آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی و توانمندسازی و استقلال بیشتر آنان می‌شود. این دو دیدگاه در این پرسش خلاصه شده که آیا مهاجرت موجب وابستگی زنان می‌گردد و یا رهایی آنان. نتایج حاصل از مطالعه در کتاب نشان می‌دهد دیدگاه نخست درست است؛ مهاجرت فصلی تأثیری در بهبود روابط جنسیتی بین زن و مرد (کاهش نابرابری روابط جنسیتی) نداشته و حتی در بسیاری از موارد آن را تشدید نیز کرده است.

مهاجرت موجب وارد شدن افراد مسن روستایی (مادربزرگ، پدربزرگ) به کار کشاورزی و نگهداری بچه‌ها به‌ویژه دختران کم‌سن و سال روستایی از خردسالان به‌علت مشغله مادر و همچنین وارد شدن بچه‌های کوچک به نقش‌هایی فراتر از توانایی‌شان شده است. انجام کارهایی توسط دختران روستایی در خانوارهای مهاجر فرست که قبلاً این نوع کارها را انجام نمی‌دادند، افزایش مشارکت زنان به‌ویژه دختران مجرد و زنان خانه‌دار در انجام کارهای خارج از منزل، و تحمل غیبت و دوری شوهر توسط فرزندان و زن خانوار از نتایج دیگر مهاجرت است. با مهاجرت مردان، بار مسئولیت آنها در زمینه تولید مواد غذایی، کار داخل خانه و امور مربوط به درآمدزایی بر دوش زنان می‌افتد. مهاجرت مردان موجب تشدید وظایف زنان در تولید مواد غذایی می‌شود. برای مثال، مادربزرگها مجبور می‌شوند خیلی از کارها و وظایف مربوط به

کشاورزی و نگهداری بچه‌ها را انجام دهند. همچنین مهاجرت موجب سست‌شدن بنیاد ارزشهای اخلاقی زنان مهاجر (از طریق فشار برای مدرن‌شدن) و همچنین تغییر روابط خانوادگی آنها شده است.

از جمله مطالعات دیگری که در زمینه مهاجرت و ابعاد جنسیتی انجام شده است، مطالعه‌ای است که توسط دانشگاه آمستردام در مراکش و تونس انجام شده است. این بررسی که توسط آلیدا ون‌روئیج<sup>(۱)</sup> در سال ۱۹۹۹ م. انجام شده، درباره پیامدهای جنسیتی مهاجرت، به‌ویژه تأثیر مهاجرت مردان بر ساختار قدرت و فرایند تصمیم‌گیری زنان در داخل خانواده (کسانی که در روستا مانده‌اند) بوده است. براساس نتایج حاصل از این بررسی، مهاجرت مردان خانوار و رفتن آنها به مناطق دوردست دارای دو جنبه است: «نخست، مهاجرت مرد خانوار موجب افزایش استقلال زن در انجام وظایف روزمره، کسب قدرت به خاطر اهمیت بیشتر به‌مثابه نیروی کار و پذیرش نقش رئیس خانوار در غیاب همسر گردیده است. همچنین مهاجرت مرد و نبود وی در روستا در مدت‌زمان طولانی موجب افزایش اقتدار زن در بین اهالی منزل می‌شود.

دوم، در اثر مهاجرت مرد خانوار، زنان اغلب آسیب‌پذیرتر می‌شوند و قادر به تأمین منافع مادی خود به دلیل محدودیت دسترسی به وسایل و منابع حیاتی نیستند. در برخی مناطق، به‌علت مشترک‌بودن اقتدار در بین اعضای خانواده، مهاجرت مردان موجب انتقال قدرت و مشروعیت از مرد مهاجر به افراد ذکور بزرگ‌تر خانواده یا فامیل شده است. از آثار دیگر مهاجرت مردان بر فعالیتهای زنان روستایی، تغییر در شیوه زندگی سنتی جامعه محلی و افزایش وظایف کشاورزی و دامداری زنان روستایی است. علاوه بر آن، مهاجرت مردان موجب اهمیت پیدا کردن عواید حاصل از فعالیتهای غیرکشاورزی در زندگی خانوارهای روستایی شده است. مهاجرت مرد خانوار و نبود وی در روستا موجب تغییر در روند تصمیم‌گیری داخل خانواده‌های دارای مهاجر گشته و این مسئله تأثیر زیادی در موقعیت و نقش زنان در تصمیم‌گیری در مقایسه با خانوارهای غیرمهاجر داشته است».<sup>۳</sup> از مطالعات دیگری که در زمینه مهاجرت مردان روستایی

(1) Aleida Van Rooij

و تأثیر آن بر زنان روستایی مانده در روستا انجام شده است، بررسی‌ای است که لیلا گولاتی<sup>(۱)</sup> در کتاب خود تحت عنوان *در غیاب مردانشان: آثار مهاجرت مردان بر زنان*<sup>۴</sup> انجام داده است. لیلا گولاتی مشاهداتش را در زمینه آثار مهاجرت مردان بر زنان درباره تعداد زیادی از مردان مهاجری که در کشورهای آسیایی کار می‌کنند این چنین بیان می‌کند:

- تأثیر مهاجرت در بسیاری از مواقع قبل از اینکه مهاجران مهاجرت کنند اتفاق می‌افتد.
- تصمیم به مهاجرت تصمیم مشترکی است که زنان نیز در آن سهم دارند.
- زنان خانوارهای مهاجر نقش فعالی در ایجاد انگیزه برای مهاجرت و تسهیل آن ایفا می‌کنند.

● وابستگی به اعضای خانوار، فامیل، روستاییان و همسایگان تأثیر قابل ملاحظه‌ای در قبل و بعد از مهاجرت به جا می‌گذارد.

● وابستگی به سرمایه برای تأمین مالی مهاجرت نه تنها دربرگیرنده اعضای درجه یک خانواده است، بلکه دربرگیرنده اقوام دور، دوستان و همسایگان نیز می‌شود. از سوی دیگر، برای دخل و خرج عواید حاصل از مهاجرت و حمایت از زنان نیز محدود به اقوام نزدیک مثل والدین مهاجر می‌شود.

● نوع وابستگی که مهاجرت مرد خانواده برای خانواده ایجاد می‌کند به مرور زمان تغییر می‌کند. در ابتدا نیاز است که زنان مانده در روستا حمایت و حفاظت شوند. این زنان برای به عهده گرفتن وظایف و مسئولیتهایی که پیش از آن به عهده مردان بود نیاز به کمک دارند و به ندرت پیش می‌آمد که این وظایف را انجام دهند. این وظایف نه تنها دربرگیرنده کارهای روزانه منزل، بلکه شامل وظایف مربوط به مدرسه بچه‌ها و مراقبت‌های بهداشتی آنها نیز می‌شود. از این رو، زنان نیاز به حمایت‌هایی دارند که در مجموع دربرگیرنده وظایف جدید و مسئولیتهایی است که حتی شوهرانشان به ندرت قادر به انجام آنها بودند. این حمایت‌ها شامل مدیریت دخل و خرج زندگی، بازپرداخت بدهی‌ها، از رهن درآوردن جواهرات و سرمایه‌گذاری در زمینه بازسازی و تعمیر مسکن است.



- جاهایی که فرزندان مهاجران جوان و کم‌سن و سال هستند وابستگی این خانواده‌ها به اقوام برای حمایت از آنها در مقایسه با خانواده‌های دارای فرزندان بزرگ بیشتر است.
- به مرور زمان، زنان در مقایسه با زمان نخست عزیمت مردان خوداتکایی (اعتماد به نفس) پیدا می‌کنند.
- نوع تأثیر مهاجرت ارتباط نزدیکی با سن زن و چرخه زندگی خانواده در زمان مهاجرت دارد.
- تأثیر مهاجرت بر روی خانواده فرایندی پویاست و میزان تغییر در زنان مانده در روستا (زنانی که شوهرشان مهاجرت کرده) بستگی به مدت‌زمان مهاجرت مرد خانوار دارد.
- ترکیب خانوار و الگوی اسکان در اثر مهاجرت تغییر می‌کند و یک نوع گروه‌بندی و تنظیم جدید به وجود می‌آید.
- به‌رغم بروز این تغییرات، زنان گرایش به محافظه‌کاری پیدا می‌کنند تا مبادا این تغییرات روابط متقابل آنها را با دیگران تحت شعاع قرار دهد (خدشه‌دار کند).
- با مهاجرت مرد خانواده، مسئولیتهای زنان در اداره خانواده به‌ویژه در زمینه مدیریت مالی و مستغلات افزایش پیدا می‌کند.
- مهاجرت مردان به انزوای زنان پایان می‌دهد. این مهاجرت موجب تحرک و وارد شدن آنها به شبکه وسیعی از روابط اجتماعی که قبلاً مقدور نبود می‌شود و همچنین موجب افزایش اعتماد به نفس و به‌عهده گرفتن مسئولیت بیشتر، و در برخی مواقع موجب ایجاد درآمد نیز می‌گردد.
- با وجود حمایت‌های بی‌دریغ اقوام، آشنایان و حتی نهادها، هنوز هم زنان وضعیتی فوق‌العاده بغرنج دارند.
- در مجموع، شکست‌ها کمتر از موفقیت‌هاست. زنان خانوارهای مهاجر در فائق‌آمدن بر مشکلات خوب عمل می‌کنند. با اینکه خانواده و سایر شبکه‌های مذهبی نقش حمایتی ایفا می‌کنند، عمده تلاش برای فائق‌آمدن بر مشکلات، با غیبت مرد خانوار به تدریج شکل می‌گیرد. برداشت کلی من این است که زنان خانوارهای مهاجر با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند و برای برطرف کردن این مشکلات، نه تنها نیازمند سایر اعضای خانواده گسترده هستند، بلکه اغلب

نیازمند شبکه‌ای وسیع از اقوام، دوستان و همسایگان نیز می‌شوند. وابستگی این زنان به این شبکه‌ها در زمان غیبت شوهرانشان افزایش می‌یابد و در مجموع این شبکه‌ها هستند که در کنار این زنان می‌مانند و موجب پایداری آنها می‌شوند.

بنابراین، می‌بایست این مسئله در نظر گرفته شود که چگونه زنان بر مشکلاتی که در اثر مهاجرت مرد خانواده و فرزندان‌شان ایجاد شده است فائق آیند. این هم درست نیست که برای توانمندسازی زنان، مهاجرت برون‌مرزی مردان را پیشنهاد دهیم. اما چنانچه توانمندسازی را آموزش، مراقبت بهداشتی، مشارکت کاری و سهیم‌شدن در مسئولیتها بدانیم، زنانی که وظایفی را انجام می‌دهند که معمولاً مردان انجام می‌دادند مستعد توانمندسازی بیشتری هستند.

کار دیگری که در زمینه مهاجرت و زنان روستایی انجام شده است مطالعه‌ای است که در ویتنام در زمینه «آثار مهاجرت بر تفاوت‌های جنسیتی و بهبود وضعیت شغلی»<sup>۵</sup> انجام گرفته است. در این تحقیق، آثار مهاجرت در زمینه بهبود وضعیت شغلی (تحرك شغلی) به تفکیک مرد و زن بعد از اصلاحات اقتصادی در ویتنام بررسی شده است. مطالعه مذکور که در ۱۶ استان ویتنام انجام شده، مبتنی بر مقایسه تجربیات مهاجران دائمی و فصلی (موقتی) و همچنین کسانی است که مهاجرت نکرده‌اند. براساس نتایج حاصل از این مطالعه، مهاجرت موجب کاهش تفاوت‌های جنسیتی و توزیع شغلی بین زنان و مردان می‌گردد، چراکه مهاجرت باعث افزایش مشارکت زنان در مشاغلی می‌شود که قبلاً به‌طور سنتی توسط مردان انجام می‌گرفت. اما مزیت نسبی مردان در تحرك شغلی به‌ویژه در میان مهاجران دائمی بیش از زنان است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری حاکی از اختلاف معناداری بین تحرك عمودی با جنسیت و وضعیت مهاجرت است. مهاجرت دائمی مردان بیشتر موجب تحرك عمودی می‌شود، درحالی‌که زنان در این نوع مهاجرت سهم کمتری از تحرك عمودی دارند. میزان بالای تحرك عمودی در بین مهاجران موقتی در مقایسه با مهاجران دائمی با اندکی تفاوت در زمینه برتری مردان بر زنان بیشتر دیده می‌شود. چنین مزیت‌هایی دربرگیرنده آزادی عمل و توانایی درگیرشدن در فعالیتهای خصوصی و... است. براساس نتایج به دست آمده در این بررسی، به‌رغم اینکه زنان خودمختار می‌شوند، هنوز ترقی شغلی زنان بهبود رضایت بخشی نیافته است. مطالعه

دیگری که درباره مهاجرت و زنان روستایی انجام شده است مقاله‌ای است که توسط آلن دی براو<sup>(۱)</sup> و ادوارد تیلور<sup>(۲)</sup> و اسکات روزلی<sup>(۳)</sup> در زمینه آثار مهاجرت و عواید آن بر افزایش درآمد روستاییان در چین انجام شده است.

### نظریه‌ها و دیدگاه‌های موجود در زمینه مهاجرت

مهاجرت به‌مثابه پدیده‌ای چندبعدی مورد توجه صاحب‌نظران و متخصصان رشته‌های مختلف بوده است. هریک از این افراد سعی کرده‌اند در حیطه رشته و تخصص خویش مهاجرت را مورد توجه و تحلیل قرار دهند. از بین این رشته‌های مختلف، بنا به ماهیت اجتماعی مهاجرت، جامعه‌شناسان نیز سعی کرده‌اند در زمینه مهاجرت و پیامدهای آن نظریات و دیدگاه‌های متعددی ارائه کنند. پاره‌ای از این نظریات درصدد تبیین عوامل و دلایل مهاجرت بوده‌اند، برخی نیز تلاش کرده‌اند ضمن پرداختن به عوامل مهاجرت، آثار و پیامدهای آن را مورد تحلیل و تبیین قرار دهند. با توجه به ماهیت تحقیق مورد نظر آثار مهاجرت فصلی مردان بر فعالیتهای زنان روستایی، سعی کرده‌ایم آن دسته از نظریاتی را که درصدد تبیین علل و عوامل مهاجرت بوده‌اند کنار بگذاریم و در این تحقیق به نظریاتی به‌منزله پستوانه نظری تحقیق اشاره کنیم که به نحوی نخست آثار و پیامدهای مهاجرت را تبیین کرده باشند و دوم این آثار و پیامدها را در مورد زنان و تفاوت‌های جنسیتی مطرح کرده باشند. لذا درباره دیدگاه‌ها و نظریات دسته اول (آثار و پیامدهای عام مهاجرت) می‌توان به دو دیدگاه مشهور در جامعه‌شناسی یعنی فونکسیونالیسم (کارکردگرایی) و تضاد (وابستگی) اشاره کرد و درباره دسته دوم نظریات (تبیین جنسیتی مهاجرت) می‌توان به نظریات مربوط به رویکرد جنسیتی مهاجرت اشاره کرد.

### نظریه کارکردگرایی مهاجرت

کارکردباوران فرضشان این است که تمامی نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام‌های

(1) Alen de Brauw

(2) Edvard Tailor

(3) Scott Rozelle

اجتماعی آموخته می‌شوند. کنشگران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آنها را برآورده کنند. درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت شخص جهت کاهش ناهماهنگیهای ساختی می‌شود. به اعتقاد این نظریه پردازان، مهاجرت روستایی در مقصد وارد یک ساخت اجتماعی از قبل ساخته و پرداخته می‌شود. این ساخت به لحاظ اندازه و تراکم از مبدأ بزرگتر بوده و تقسیم کار پیچیده‌تری دارد. ساخت مقصد مهاجر را ابتدا در خود جذب و سپس با خود همانند می‌گرداند. مهاجر بعد از همانندگردیدن با محیط، به یگانگی با محیط نائل می‌آید.

مهاجر مجبور است مهارتهای جدید را بیاموزد. سپس می‌آموزد چگونه نقشهای مورد نیاز جامعه جدید را فراگیرد. سرانجام به تدریج یاد می‌گیرد که چگونه به ایده‌های جدید بیندیشد و تصویری تازه از خود براساس ارزشهای جدید ارائه دهد. در فرایند جذب، مهاجر در جریان انتقال مهارت و شخصیت قرار گرفته، فرهنگ قدیمی را از دست می‌دهد و فرهنگ جدید را می‌پذیرد. پذیرش مهاجران در نظام جدید توأم با همانندگردی آنها در نظام است. مهاجران ارزشهای جدید را درونی می‌کنند و می‌کوشند خود را با دیگران همانند سازند. در بسیاری از موارد، مهاجران فرایند تقلید را پیشه خود می‌کنند. همین روند تقلید به مرور زمان مهاجران را به ارزشهای جدید عادت می‌دهد و تشابهی بین آنها و بومیان ایجاد می‌کند. اگرچه شخص فرهنگ قبلی را توأم با فرهنگ جدید با خود حمل می‌کند، تمام کوشش او در ایجاد وحدت بین فرهنگ مبدأ و مقصد است (لهسای زاده، ۱۳۶۰، ۱۰).

### نظریه وابستگی مهاجرت

براساس انتقاداتی که بر دیدگاه کارکردباوری مهاجرت وارد آمده است، معتقدان به وابستگی بر این عقیده‌اند که علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از آثار آن جدا کرد، زیرا مهاجرت از یک سو معلول توسعه نابرابر است و از سوی دیگر عامل گسترش و تعمیق توسعه نابرابر در علت‌یابی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای جهان سوم. نظریه پردازان وابستگی بیان می‌کنند که ابتدا باید به مسئله عدم توسعه توجه کرد و در این زمینه، نابرابری ساختی و مکانی بین بخشهای

جامعه را در نظر گرفت. نظریه پردازان وابستگی علت مهاجرت را عمدتاً نابرابری سطح توسعه روستا و شهر می‌دانند.

از نظر معتقدان به این نظریه، مهاجرت از یک سو عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست است و از سوی دیگر، عامل ایجاد و تشدید نارسایی‌های منطقه مهاجر پذیر. با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار در روستا و در نتیجه تولیدات روستایی کاهش می‌یابد. مهاجرت، نیروی کار روستا را خالی می‌کند و موجب ایجاد الگوی نابرابر نیروی کار می‌گردد. مهاجرت نیروی کار فعال و خالی شدن روستاها از نیروی جوان مرد موجب انتقال وظایف به سایر افراد (زنان روستایی، کهن سالان، کودکان و...) و دور شدن روستاها از تحول اساسی و استفاده نادرست از منابع موجود در روستاها می‌شود که این خود موجب دوام توسعه نیافتگی در مناطق روستایی است.

### رویکرد جنسیتی مهاجرت از روستا به شهر<sup>۶</sup>

رویکرد جنسیتی مهاجرت تلاش کرده است تا دلایل و پیامدهای مهاجرت را هم برای زنان و هم مردان ترسیم کند و مورد مقایسه قرار دهد. دست درکاران چنین نگرشی بر این عقیده‌اند که مطالعاتی که تا به حال در زمینه مهاجرت انجام شده مختص مردان بوده و کمتر مسائل مربوط به زنان در نظر گرفته شده است. این در حالی است که مهاجرت دارای ابعاد جنسیتی است. طبق این دیدگاه، مهاجرت از روستا به شهر در حقیقت یک نوع سازوکار فردی و گروهی سازگاری برای پرکردن شکاف توسعه‌ای به وجود آمده بین شهر و روستا است. چنین سازگاری‌ای معمولاً هم دارای آثار مثبت و هم نتایج منفی است. نتایج مثبت این مهاجرت را می‌توان کمک به کاهش فشار وارده بر عرضه غذا و زمینهای کشاورزی، و ایجاد فرصتهای مناسب برای بیکاران و شغل نیافتگان روستایی مطرح کرد که همه این آثار موجب بهبود معیشت خانوارهای روستایی می‌شود. از آثار منفی مهاجرت می‌توان به عدم تعادل جدید، هم در نواحی مبدأ و هم در نواحی مقصد مهاجرت اشاره کرد.

صاحب نظران و طرفداران این دیدگاه معتقدند که هرچند مهاجرت مردان از روستا به شهر

بسیار مورد توجه بوده و در مورد آن تحقیق گسترده‌ای نیز شده، ابعاد جنسیتی مهاجرت به‌ویژه تأثیر آن بر روی مبدأ تا حدود زیادی نادیده انگاشته شده است. به نظر این صاحب‌نظران، تحلیلی که ابعاد جنسیتی مهاجرت را در زمینه خانوارهای کشاورز، راهبردهای جمعیتی خانواده، تولید کشاورزی و امنیت غذایی مورد توجه قرار داده باشد وجود ندارد؛ به‌ویژه اینکه تا به حال توجهی به مطالعه تأثیر مهاجرت بر روی زنان روستایی مانده در روستا (زنان خانوارهای مهاجر) نشده است. طرفداران این رویکرد معتقدند که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا دارای آثار متعددی بر مبدأ مهاجرت به‌ویژه از بعد جنسیتی است که از جمله این آثار می‌توان از تغییر در روابط جنسیتی خانوارهای کشاورز، افزایش تعداد اعضای زن خانوار، مهاجرت روستا - شهری زنان، تغییر در مالکیت زمین و در بسیاری از کشورها (از جمله لسوتو) سرپرستی نیمی از همه خانوارهای روستایی توسط زنان نام برد.

برای مثال، در گابن و کنگو اکثریت مهاجران به شهر را مردان تشکیل می‌دهند. در فیلیپین و پاناما اکثریت مهاجران به شهر را زنان تشکیل داده‌اند. در نواحی روستایی گابن در ازای هر صد زن ۸۳ مرد وجود دارد، درحالی‌که در نواحی روستایی پاناما در مقابل هر صد زن ۱۱۴ مرد وجود دارد. از دیدگاه این نظریه‌پردازان، غفلت دیگری که درباره ابعاد جنسیتی مهاجرت وجود دارد این است که اطلاعات موجود در این زمینه کم است. اطلاعات آماری مهاجرت روستا به شهر به تفکیک جنسیت در دسترس نیست و اطلاعات موجود در زمینه خانوارهای کشاورز دارای سرپرست زن محدود است. اطلاعات موجود در زمینه خانوارهای کشاورز دارای سرپرست زن بیشتر درباره رؤسای این خانوارهاست تا خود واحد خانوار کشاورز دارای سرپرست زن. اینچنین خلأهای اطلاعاتی موجب شده است که تصمیم‌گیرندگان و دست‌درکاران از اهمیت این موضوعات در سیاستگذاری آگاهی نیابند و در برنامه‌های شهری و کشاورزی جنسیت را به‌مثابه یک متغیر مهم مهاجرت در نظر نگیرند. رویکرد جنسیتی مهاجرت تلاش کرده است تا عوامل مؤثر بر مهاجرت و آثار و پیامدهای آن را هم برای مردان و هم برای زنان روستایی در زمینه مقولات مختلف مربوط به روستا (مبدأ) تحلیل و مطالعه کند.

## آثار و پیامدهای مهاجرت

صاحب‌نظران و متخصصان مهاجرت در زمینه پیامدهای مهاجرت دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. اکثریت قریب به اتفاق آنها بر این باورند که مهاجرت خواه دائم خواه موقت و به لحاظ زمانی کوتاه یا بلندمدت و از نظر تعداد کم یا زیاد، سرانجام در مناطق مبدأ و مقصد و همچنین خود مهاجران و خانواده‌هایشان دگرگونی‌هایی ایجاد می‌کند. و لذا وضعیت مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست و خود مهاجران هیچ‌گاه نسبت به وضعیت قبل از مهاجرت یکسان نمی‌مانند. مهاجرت نه تنها شیوه زندگی مهاجران را تغییر می‌دهد، بلکه ذهنیت آنان را نیز دچار تحول می‌کند. گرچه نمی‌توان آثار و پیامدهای مهاجرت را به صورت دقیق تقسیم‌بندی کرد، سعی خواهیم کرد به منظور سهولت مطالعه، آنها را در سه مقوله کلی به شرح زیر طبقه‌بندی و بررسی کنیم:

۱- آثار مهاجرت بر منطقه مهاجرفرست؛

۲- آثار مهاجرت بر منطقه مهاجرپذیر؛

۳- آثار مهاجرت بر خود مهاجران و خانواده آنها.

### ۱- آثار مهاجرت بر منطقه مهاجرفرست

روند مداوم مهاجرت موجب کم‌جمعیتی روستاها و مناطق مهاجرفرست می‌شود و ترکیب جمعیت باقی‌مانده این مناطق را دگرگون می‌کند. از جمله این تغییرات جواتر شدن جمعیت روستاها و در نتیجه افزایش نسبت وابستگی و بار اقتصادی خانواده و همچنین افزایش سنی سالخورده‌گان در جامعه روستایی است. برون‌کوچی افراد روستایی موجب کاهش رشد جمعیت روستاها و در نتیجه کاهش جمعیت می‌شود و جمعیت کم معمولاً میزان فشار بر زمین موجود در روستا را کم می‌کند و از مقدار نیروی کار می‌کاهد، و بر نسبت وابستگی (افراد غیرمولد از نظر اقتصادی به ازای هر فرد مولد) می‌افزاید. خروج نیروی کار ممکن است تولید کشاورزی را پایین بیاورد. مهاجرت مردان موجب کمبود کارگر می‌شود و بسیاری از خانواده‌ها به‌ویژه زنان و فرزندان مهاجران ممکن است بیشتر کارهای کشاورزی را بر دوش بگیرند. وقتی مردان به‌تنهایی

مهاجرت می‌کنند، زنان علاوه بر انجام دادن وظایف خود، کارهای کشاورزی شوهرانشان را نیز برعهده می‌گیرند و مسئول گرداندن خانواده می‌شوند. زنان در امور مربوط به خانه و مزرعه روز به روز تصمیم می‌گیرند. در درازمدت، برون‌کوچی مداوم مردان ممکن است فعالیتها و مسئولیتهای زنان را گسترش دهد و از این راه نقش آنان را دگرگون کند.

مهاجران اغلب برای خویشاوندان نزدیک خود پول می‌فرستند و به هنگام بازگشت یا دیدار، هدیه و پولی را که اندوخته‌اند با خود می‌برند. مهاجران هرچه پیوندهای نزدیک‌تر و محکم‌تری با اجتماع مبدأ داشته باشند و هر اندازه بیشتر در کارشان جا افتاده باشند، احتمال اینکه پول بفرستند بیشتر است. در اکثر نواحی، بخش بزرگی از وجوه ارسالی و اندوخته مهاجران به مصرف می‌رسد و بیشتر برای مخارج روزمره زندگی و مسکن و سایر کالاهای مصرفی هزینه می‌شود و نسبت اندکی از این پول مستقیماً در کشاورزی، صنعت یا تجارت سرمایه‌گذاری می‌شود. در بسیاری از موارد، چنین وجوه ارسالی سطح زندگی دریافت‌کنندگان را بالا می‌برد. در مجموع، از جمله آثار و نتایج مهاجرت روستاییان در مبدأ را می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- تقلیل جمعیت مبدأ (روستا)؛
- ۲- تخلیه نیروی کار فعال و کارکن مستعد روستاها؛
- ۳- به هم خوردن ترکیب جمعیت روستایی؛
- ۴- دگرگونی قشربندی روستاها؛
- ۵- فروپاشی تدریجی کشاورزی روستایی؛
- ۶- تبدیل کشاورزی دهقانی به کشاورزی تجاری و کشت محصولات بازاری و صادراتی؛
- ۷- دگرگونی تدریجی چهره طبیعی روستاها.

## ۲- آثار مهاجرت بر منطقه مهاجرپذیر

«از نتایج دیگر مهاجرت روستاییان دگرگونی در قشربندی جمعیت شهرها در این مورد افزایش کارگران، به‌ویژه کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر دستی را می‌توان نام برد، زمانی که مسئله



پرولتیزه شدن روستاییان را در شهر بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که مهاجرت موجب گسترش طبقه کارگر مقصد شده و حجم نیروی کار غیرماهر افزایش می‌یابد. مهم‌ترین نتیجه مهاجرت‌های روستایی در شهرها، پیدایی حاشیه‌نشینان و حاشیه‌نشینی است. آلودگی هوا، مشکل ترافیک، مسئله ارتباطات تلفنی، گران‌فروشی، احتکار، کمبود مسکن، زمین‌خواری و در نتیجه بالا رفتن قیمت زمین شهر، نارسایی سیستم برق‌رسانی و نیرو و حوادث و عوارض ناشی از آنها زندگی را بر بخش مهمی از جمعیت در شهرهای بزرگ دشوار می‌کند. از نتایج دیگر پدیده حاشیه‌نشینی در شهرها می‌توان افزایش جرم و جنایت و پیدایی بیکاری و فعالیت در بخش غیررسمی را نام برد» (تورمینایی، ۱۳۷۹، ۵۱-۵۲).

### ۳- آثار مهاجرت بر خود مهاجران و خانواده آنها

مهاجرت دارای تأثیرات مختلفی بر روی مهاجران و خانواده‌هایشان است. این تأثیرات برحسب مقصد مهاجرت، خصوصیات خود مهاجران، نحوه مهاجرت، مدت زمان مهاجرت، میزان مهاجرت و... متفاوت است. آنچه متخصصان مهاجرت و صاحب‌نظران علوم اجتماعی در آن اتفاق نظر دارند این است که مهاجرت تأثیر عمده‌ای بر سبک زندگی افراد، قشریندی و تحرک اجتماعی آنان، نوع نگرش، روابط متقابل اجتماعی، نوع نقش و... دارد. مهاجران پس از ترک مبدأ و جذب در مقصد، از نظر قشریندی و تحرک اجتماعی ارتقای منزلتی می‌یابند، زیرا در صحنه‌ای از زندگی قرار می‌گیرند که در آن برابری فرصتها بهبود یافته است. در درازمدت، برون‌کوچی مداوم مردان ممکن است فعالیتها و مسئولیت‌های آنان را دگرگون کند.

سیلسی فیندلی در کتاب *برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی* معتقد است مهاجرت موجب تغییر در شبکه روابط اجتماعی، تغییر در الگو و نگرش افراد، تغییر در نقشها به‌ویژه نقشهای خانوادگی و روابط اجتماعی با دیگران می‌گردد که مهم‌ترین آن تغییر شیوه زندگی روستایی به شیوه زندگی شهری است. او همچنین معتقد است برگشت مهاجران به خانه موجب افزایش اطلاعات خانواده از مکانها و شیوه‌های زندگی دیگر می‌گردد. مطالعات متعددی نشان داده که مهاجران در موقعیتهای خاصی به دیدن اقوام و خانواده خود در روستا می‌روند. بهترین لباس خود را می‌پوشند و تا می‌توانند هدیه می‌برند. این ظواهر موجب می‌شود تا روستاییان فکرکنند زندگی

در شهر خیلی بهتر از روستا است. مهاجران معمولاً مورد احترام هستند و این احترام ممکن است به تمایل برای مهاجرت و سهیم شدن در «زندگی خوب» تبدیل شود. بسیاری از مهاجران بر جنبه‌های مثبت زندگی شهری تأکید می‌کنند و این موجب می‌شود تا تقاضا برای تحصیلاتی که در شهر کاربرد دارد بالا رود (فیندلی، ۱۳۷۲، ۱۱۹-۱۱۸).

### نتیجه‌گیری

با توجه به منابع مورد بررسی و همچنین دیدگاهها و نظریات موجود در این زمینه، می‌توان گفت که مهاجرت مردان و ماندن زنان در روستا موجب افزایش حجم کار زنان روستایی، پذیرش نقشهای جدید، وارد شدن بچه‌ها و افراد مسن روستا به کار کشاورزی و دامداری، افزایش مسئولیتهای روستایی در زمینه‌های مختلف، تغییر روابط خانوادگی، افزایش استقلال زنان، کسب قدرت و اقتدار زنان در خانواده، تغییر در شیوه زندگی، تغییر در روند تصمیم‌گیری داخل خانواده، افزایش تحرک اجتماعی زنان، افزایش مشکلات متعدد زنان روستایی و وابستگی زنان به شبکه وسیع اقوام، دوستان و همسایگان گردیده است. به اعتقاد کارکرد باوران، مهاجرت موجب تغییرات جدید در نقشها می‌شود و مواجه شدن مهاجران با نقشهای جدید ممکن است موجب احساس ناهماهنگی و عدم تعادل شود، اما به تدریج، با تغییر نقشها و پذیرش نقشهای جدید، این ناهماهنگی و عدم تعادل از بین می‌رود و مهاجران خود را با فعالیتها و نقشهای جدید هماهنگ می‌کنند و لذا همانندگردی موجب تعادل می‌گردد.

بنا به نظر طرفداران نظریه وابستگی، مهاجرت از یک سو عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجرفرست و از سوی دیگر عامل ایجاد و تشدید نارسایی‌های منطقه مهاجرپذیر می‌گردد. با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار روستا و در نتیجه تولیدات روستایی کاهش می‌یابد. مهاجرت نیروی کار فعال موجب انتقال وظایف به سایر افراد به‌ویژه زنان روستایی و کهن‌سالان و کودکان و نیز دور شدن روستاها از تحول اساسی و استفاده نادرست از منابع موجود در روستاها می‌شود که این خود موجب ادامه توسعه نیافتگی در مناطق روستایی است. نظریه سیستمی مهاجرت را پویا در جهت تطابق با تحولات اقتصادی - اجتماعی تلقی می‌کند و با رد نظریه وابستگی و تضاد در ارتباط با قشربندی اجتماعی، مهاجران در مقصد به نوعی

همگرایی اجتماعی و همزیستی مکانی سوق داده می‌شوند. مهاجران دارای آثاری بر مقصد و همچنین پذیرش تأثیراتی و انتقال آن به مبدأ هستند. بنا به اعتقاد طرفداران رویکرد جنسیتی مهاجرت، مطالعاتی که تا به حال در زمینه مهاجرت انجام شده مختص مردان بوده و کمتر مسائل زنان در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که مهاجرت دارای ابعاد جنسیتی است. از این رو، طرفداران این رویکرد معتقدند که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا دارای آثار متعدد بر مبدأ مهاجرت به ویژه از بعد جنسیتی است که از جمله این آثار می‌توان تغییر در روابط جنسیتی خانوارهای کشاورز، افزایش تعداد زنان خانوار، تغییر در مالکیت زمین و افزایش تعداد خانوارهای دارای سرپرست زن را نام برد. مهاجرت دارای تأثیرات متعددی در زمینه نظامهای زراعی، نیروی کار زراعی روستا، تنوع درآمد و مدیریت در روستا، تغییر در روابط خویشاوندی و ساختار خانواده و... است.

## ۱- تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

### تعریف مهاجرت

«به‌طور کلی واژه مهاجرت در مفهوم جابه‌جایی و انتقال جمعیت در مکان یا تحرک جغرافیایی جمعیت استفاده می‌شود. در تعریف مهاجرت، باید مفهوم عام کلمه را از مفهوم خاص آن منفک کرد. مهاجرت به معنای عام عبارت است از ترک سرزمین اصلی و سکونت در سرزمین دیگر به‌طور موقت یا دائم. و به معنای خاص آن عبارت است از نقل مکان انفرادی یا جمعی انسانها با تصمیم به تغییر محل اقامت و کار به‌طور دائم یا برای مدتی طولانی و بیش از یک سال» (تورمینایی، ۱۳۷۹، ۵۱).

### الف: تعریف نظری

مهاجرت عبارت است از تغییر محل اقامت فرد از یک نقطه به نقطه دیگر که این نقطه معمولاً محدوده یک شهر یا روستاست.

مهاجرت دائمی: تحرک مکانی بین دو واحد جغرافیایی است که موجب تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود است و مدت زمان اقامت در مقصد بیش از یک سال است.

مهاجرت موقتی (فصلی): جابه‌جایی و تغییر محل فعالیت فرد از یک نقطه به نقطه دیگر بدون اینکه اقامتگاه «عادی» وی تغییر یابد. به عبارت دیگر، نوعی جابه‌جایی است که برای دوره کوتاه مدت صورت می‌گیرد و قصد کوچنده این است که به اقامتگاه عادی خود برگردد (ارشاد. بی تا. ۵۲). این نوع مهاجرت و جابه‌جایی تحت عناوین متعددی به کار برده می‌شود که شامل مهاجرت‌های ادواری، رفت و برگشتی، آونگی، فصلی و... است.

#### ب: تعریف عملیاتی (موردنظر در این تحقیق)

در این تحقیق، منظور از مهاجرت فصلی، ترک محل اقامت رئیس خانواده (مرد) به منظور جست‌وجوی کار در محلی خارج از محل اقامت او است که این ترک محل اقامت حداقل یک ماه و حداکثر یک سال است.

#### انواع مهاجرت

مهاجرت تقسیم‌بندی‌های متعددی دارد. هر یک از صاحب‌نظران سعی کرده‌اند براساس ملاک‌های خاصی مهاجرت را تقسیم‌بندی کنند. عمده‌ترین طبقه‌بندی مهاجرت شامل موارد ذیل است:

- از نظر زمان مهاجرت: کوتاه مدت (موقت)، میان مدت (فصلی) و بلندمدت (دائمی) یا برای مدت زیاد؛

- از نظر مسافت طی شده: مهاجرت‌های نزدیک یا کوتاه، مهاجرت‌های متوسط، مهاجرت‌های دور یا بلند؛

- از نظر خواست یا تمایل مهاجران: مهاجرت ارادی یا اختیاری و خودخواسته، مهاجرت اضطراری یا قهری و اصطکاک‌ی، مهاجرت اجباری؛

- از نظر تعداد: مهاجرت فردی، مهاجرت جمعی و گروهی؛

- از نظر قلمرو سیاسی: مهاجرت داخلی و خارجی، یا مهاجرت‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی

### تعریف نقش (۱)

**الف - تعریف نظری:** «نقش شامل رفتار، کردار و یا کار و وظیفه‌ای است که یک شخص در داخل یک گروه به عهده می‌گیرد» (بیرو. ۱۳۷۸. ۳۷۷). علاوه بر آن، می‌توان گفت که «نقش به معنای برآورده کردن انتظارات اعضای گروه اجتماعی و یا در واقع به معنای چگونگی عمل کردن به قواعد و هنجارها در یک موقعیت اجتماعی است» (رفیع پور. ۱۳۷۸).

**ب - تعریف عملیاتی:** در این بررسی منظور از نقش، کارها و وظایفی است که هر روستا برای زنان روستایی معین کرده و در آن روستا متداول است و از یک زن یا دختر روستایی انتظار انجام آنرا دارند.

### سبک زندگی (۲)

**الف - تعریف نظری:** سبک زندگی عبارت است از فعالیتهای روزانه افراد شامل عادت پوشیدن، خوردن، پیروی از مد و محیط و توجه برای روبه‌رو شدن با دیگران (Rosengren. 1994. 2208). سبک زندگی از نظر اندیشمندان اجتماعی به مجموعه رفتارهای مردم (به معنای آنچه بروز می‌کند و دیده می‌شود) اطلاق می‌شود که این رفتارها با ابعاد فکری و ارزشی مردم نیز ارتباط دارد. برخی از صاحب‌نظران در تعریف سبک زندگی آنچنان عام‌نگرند که آن را شامل کلیه رفتارهای زندگی روزانه که هر فرد را از دیگری متمایز می‌کند می‌دانند (توادرو. ۱۳۶۷).

**ب - تعریف عملیاتی:** در این تحقیق منظور از سبک زندگی عبارت است از طرز لباس پوشیدن، آرایش، تمیزی و تزیین خانه، طرز صحبت کردن، نحوه پذیرایی و بخت‌وپز زنان روستایی.

### ۲- جامعه آماری مطالعه شده

جامعه آماری مطالعه شده در این بررسی شامل روستاهای استانهای چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و گلستان بوده است. دلیل انتخاب این استانها بالا بودن میزان مهاجر فرستی فصلی و رعایت تنوع اقلیمی موجود در کشور و شرایط اقتصادی - اجتماعی متفاوت این استانها از یک سو و خصوصیات متفاوت مهاجران از سوی دیگر بوده است.

### روش نمونه‌گیری

با توجه به اینکه تعداد استانها و خانوارهای دارای مهاجر فصلی در کل کشور زیاد بوده و مطالعه این حجم وسیع به لحاظ امکانات و زمان در دسترس عملاً امکان‌ناپذیر بوده، لذا از روش نمونه‌گیری بهره‌جسته‌ایم. روش نمونه‌گیری ما روش نمونه‌گیری «خوشه‌ای چندمرحله‌ای» بوده است، بدین صورت، که ابتدا از بین کل استانهای کشور، سه استان با توجه به میزان بالای مهاجرفرستی فصلی انتخاب و از بین این استانها، ۱۱ شهرستان دارای میزان مهاجرفرستی فصلی بالا برگزیده شد و از بین این شهرستانها، ۸۳ روستایی که به میزان بالایی مهاجر فصلی داشته‌اند انتخاب شده‌اند.

برای انتخاب حجم نمونه مناسب نیز با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، ۳۸۴ زن روستایی که شوهرانشان جهت کار در فصول مختلف به شهرهای دور و نزدیک مهاجرت می‌کردند انتخاب شدند. به منظور افزایش ضریب اطمینان، این رقم به ۵۵۳ نفر افزایش یافت. برای تکمیل فرمهای طراحی شده، در بین این تعداد زن روستایی انتخاب شده به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده عمل شد. جدول ۱، حجم نمونه انتخابی را برحسب استان و شهرستان نشان می‌دهد.

جدول ۱: حجم نمونه انتخابی به تفکیک استان و شهرستان مطالعه شده

استان	شهرستان	تعداد خانوار	تعداد خانوار دارای مرد مهاجر فصلی	حجم نمونه انتخابی
چهارمحال و بختیاری	اردل	۹۰۴۰	۴۰۰۰	۵۶
	شهرکرد	۲۷۷۹۳	۵۹۱۴	۸۲
	لردگان	۲۱۷۶۹	۶۷۷۱	۹۳
کرمانشاه	اسلام‌آباد غرب	۲۲۰۰۹	۲۶۶۲	۳۷
	جوانرود	۱۲۹۷۰	۲۷۴۶	۳۸
	سنقر	۷۱۶۵	۴۲۸۸	۷۳
	پاوه	۷۱۶۵	۴۲۸۸	۶۰
گلستان	گنبد کاووس	۴۰۷۴۰	۳۲۵۳	۴۵
	گرگان	۸۴۱۱۴	۲۰۳۶	۲۸
	مینودشت	۱۸۹۹۴	۲۱۶۷	۳۱
	بندر ترکمن	۴۳۴۸۶	۶۷۵	۱۰
جمع	-	۳۰۰۸۴۲	۳۹۷۸۷	۵۵۳

## روش تحقیق

روش استفاده شده در این تحقیق از روش پیمایشی<sup>(۱)</sup> بوده است، چرا که کلیه متغیرهای موردنظر در قالب پرسشنامه در میدان آزمایش (روستاهای واقع در سه استان کشور) به صورت عملیات میدانی بررسی شده است و عمدتاً جهت جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده گردیده است. از نظر هدف می‌توان گفت که این پژوهش از نوع کاربردی است، چون تلاش شده است در زمینه حل مسائل و مشکلات خانوارهای مهاجر فصلی راه‌حل‌های کاربردی ارائه شود. از نظر تحلیل داده‌ها می‌توان گفت این پژوهش توصیفی و از نوع مقایسه‌ای است، زیرا به بررسی تقسیم کار جنسیتی بین زن و مرد خانوار روستایی در قبل و بعد از مهاجرت پرداخته است، و با مقایسه آن متغیرهای تحقیق تحلیل شده‌اند.

## تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

### الف: توصیف داده‌ها

#### ۱- سن

براساس نتایج بررسی درباره زنان خانوارهای مهاجر فصلی، میانگین سن این افراد ۳۱ سال بوده است. حداکثر سن زنان خانوارهای مهاجر فصلی ۵۵ سال و حداقل سن آنها ۱۶ سال بوده است. بیشتر زنان مهاجران فصلی در گروه سنی ۲۰ الی ۳۰ سال واقع شده‌اند. علاوه بر آن، نتایج به دست آمده از بررسی سن شوهرانشان (مردان مهاجر فصلی) نیز حاکی است که میانگین سن این افراد ۳۶ سال است. حداکثر سن مهاجران فصلی ۶۰ سال و حداقل آن ۲۱ سال بوده است. بیشترین میزان مهاجران فصلی (مردان) در سنین بین ۳۰ الی ۴۰ سال قرار داشته‌اند. علاوه بر آن، بررسی وضعیت سنی فرزندان مهاجران نیز نشان می‌دهد که میانگین سن آنها ۹/۸ سال بوده است.

#### ۲- سواد

بنا به نتایج به دست آمده، اکثریت مهاجران فصلی (مردان مهاجر) بی‌سواد یا دارای سواد

خواندن و نوشتن و ابتدایی بوده‌اند (۷۵/۴ درصد). درصد بسیار کمی از این افراد دارای تحصیلات عالی (فوق دیپلم) بوده‌اند (۰/۵ درصد). علاوه بر آن، بررسیهای انجام شده درباره همسران این افراد (زنان مانده در روستا) نشان می‌دهد که اکثریت آنها بی‌سواد و یا دارای سواد خواندن و نوشتن بوده‌اند (۶۸/۷ درصد). بنابراین می‌توان گفت که میزان سواد افراد مهاجر و خانواده آنها در سطح پایینی قرار داشته است.

### ۳- شغل

براساس بررسیهای به عمل آمده، شغل اصلی اکثریت مهاجران فصلی در روستا (مبدأ) کارگری بوده است (۷۲/۴ درصد). این کارگری بیشتر مربوط به کارهای ساختمانی است. تعداد ۲۱/۵ درصد نیز اظهار داشته‌اند که شغل اصلی شان کشاورزی است. علاوه بر آن کارهای آشپزی، رانندگی، مکانیکی، نانوايي، جوشکاری و دامداری از جمله مشاغل دیگری بوده است که افراد مهاجر فصلی به آن مشغول بوده‌اند.

بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت شغل اصلی اکثریت افراد مهاجر کارگری بوده است. بررسیهای به عمل آمده در مورد شغل همسران این افراد (زنان مهاجران) نیز نشان می‌دهد که اکثریت این زنان خانه‌دار بوده‌اند (۶۳ درصد) و بقیه افراد نیز دارای مشاغل کشاورزی، قالی بافی، گبه بافی، خیاطی و کارگری بوده‌اند. نبود امکانات کشاورزی در روستا و محدودیتهای دیگر باعث شده است این افراد جهت گذراندن زندگی و تأمین معیشت خانوار به شهرها و نقاط دیگری مهاجرت کنند و کارگری شغل اصلی و ممر درآمد عمده آنان شود. عمده این مهاجران فصلی هنگام اقامت در روستا فعالیت کشاورزی و دامداری دارند که کار بر روی زمینهای پدری است (به ویژه مهاجران جوان). افرادی نیز وجود داشته‌اند که زمین و ملک کوچکی در روستا دارند و ممر درآمد اصلی آنان کارگری است.

### ۴- تعداد اعضای خانواده

بررسیهای انجام شده درباره تعداد اعضای خانواده مهاجران فصلی نشان می‌دهد میانگین



اعضای این خانوارها (تعداد افرادی که با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند و بر سر یک سفره می‌نشینند) ۵/۴ نفر بوده است، میانگین تعداد فرزندان ۳/۸ نفر، متوسط تعداد فرزندان دختر ۲/۳ و فرزندان پسر ۲/۲ نفر بوده است. از مجموع فرزندان این خانوارها، اکثریتشان مجرد بوده و با خانواده زندگی می‌کرده‌اند.

نکته قابل توجه در این زمینه وجود خانواده گسترده در بین افراد و خانوارهای مهاجر و حمایت سایر اعضای خانواده گسترده از زن و فرزندان مرد مهاجر در هنگام نبود او در روستا است. نقش مادرشوهر و پدرشوهر و همچنین برادران شوهر در حمایت از زن و بیجه فرد مهاجر و رتق و فتق امور جاری آنان از مسائلی است که موجب شده است تا افراد مهاجر بتوانند با خیال آسوده در مناطق دیگر کار کنند. این حمایت و پشتیبانی موجب گردیده که باروری و تعداد اعضای خانوار این مهاجران نیز با سایر افراد روستا تفاوت معناداری نداشته باشد.

#### ۵- وضعیت دارایی خانواده

بررسی وضعیت خانوارهای مهاجران از نظر میزان زمین و دام نشان می‌دهد که متوسط مقدار زمین آبی هر خانوار معادل ۲ هکتار و زمین دیم ۲/۶ هکتار بوده است. حداکثر مقدار زمین آبی ۱۰ هکتار و کمترین آن ۰/۱ کیلومتر بوده است. همچنین حداکثر زمین دیم خانوارهای مهاجر مطالعه شده ۲۵ هکتار و حداقل آن ۰/۱ کیلومتر گزارش شده است. همچنین متوسط مقدار باغ هر یک از خانوارهای بررسی شده معادل یک هکتار بوده است. از نظر تعداد دام نیز بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد متوسط تعداد رأس گوسفند و بز هر یک از خانوارهای مطالعه شده ۱۴ رأس و گاو و گوساله ۲/۱ رأس است. حداکثر تعداد گوسفند و بز ۱۰۰ رأس و حداقل آن ۱۰ رأس بوده است. درباره تعداد گاو و گوساله نیز بررسیهای انجام شده حاکی است که حداکثر تعداد گاو و گوساله خانوارهای مطالعه شده ۱۰ رأس و حداقل ۱ رأس است.

مهاجران فصلی در مقایسه با سایر روستاییان از کالاهای مصرفی نسبتاً لوکس و مناسبی در خانه‌هایشان برخوردار بوده‌اند و این در حالی است که به لحاظ وضعیت اقتصادی تفاوت معناداری با سایر افراد ساکن در روستا نداشته‌اند. زندگی موقتی در شهر، آن هم شهرهای بزرگ و

دستیابی مهاجران به پول نقد و عواید برگشتی حاصل از مهاجرت موجب گردیده این مهاجران هنگام مراجعه به روستا الگوی مصارف شهری را همراه خویش به ارمغان آورند که شیوه زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسیهای انجام گرفته حاکی است بر اثر مهاجرت وضعیت خوراک، پوشاک و کالاهای مصرفی داخل خانه‌ها بهبود یافته و بخش عمده‌ای از اندوخته مهاجران هنگام برگشت صرف این‌گونه مخارج روزمره در مناطق روستایی می‌شود؛ به‌ویژه مهاجران موقتی و ادواری که هر ساله به مناطق خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. برای مثال، در منطقه سامان شهرکرد در استان چهارمحال و بختیاری بسیاری از مهاجران به کشورهای حوزه خلیج فارس و عربی مهاجرت می‌کردند که این خانوارها به‌علت درآمد خوب شوهرانشان در مقصد، دارای الگوی مصرف متفاوت با سایر روستاییان در زمینه پوشاک، خوراک و مسکن بودند و به لحاظ درآمد نیز وضعیت بهتری داشتند.<sup>۷</sup>

## ۶- فصل مهاجرت

براساس بررسیهای به‌عمل آمده، مهاجران فصلی مطالعه شده تقریباً در تمامی فصول برای کارایی به مناطق دیگر می‌روند (۳۱/۷). در بین این فصول، زمستان دارای بیشترین میزان مهاجرت فصلی است. این فصل به‌علت اتمام فعالیتهای کشاورزی در روستاها و آزاد شدن نیروی کار شاغل در این بخش، دارای بیشترین میزان مهاجرت فصلی است. بعد از فصل زمستان، پاییز دارای بیشترین میزان مهاجران فصلی است. مهاجران به‌طور متوسط در هر سال دو بار جهت کار به مناطق دیگر مراجعه می‌کنند و در هر بار، در صورت یافتن کار، به‌طور متوسط ۲/۵ ماه در مقصد می‌مانند. حداکثر زمان ماندن در مقصد ۱۴ ماه و حداقل یک ماه گزارش شده است.

## ۷- مقصد مهاجران

بررسیهای انجام شده برحسب مقصد مهاجران نشان می‌دهد که بیشتر مهاجران استانهای مطالعه شده (چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و گلستان) جهت کار به تهران مراجعه می‌کنند

(۱۶/۲ درصد). بعد از تهران، استانهای اصفهان با پذیرایی ۱۵/۵ درصد مهاجران، هرمزگان با ۱۲/۹ درصد و خوزستان با ۱۲/۸ درصد بیشترین مقصد مهاجران را تشکیل می‌دهند. بررسی مقصد مهاجران به تفکیک استانهای مطالعه شده (استانهای مبدأ) نشان می‌دهد که مهاجران فصلی استان چهارمحال و بختیاری برای پیدا کردن کار به ترتیب به استانهای اصفهان، فارس، هرمزگان و کشورهای حاشیة خلیج فارس (کویت و...) مهاجرت می‌کنند، مهاجران استان کرمانشاه به ترتیب به استانهای تهران، خوزستان و هرمزگان می‌روند و مهاجران فصلی استان گلستان به استانهای مازندران و تهران مهاجرت می‌کنند.

#### ۸- فعالیتهای کشاورزی خانوارهای مهاجر

براساس نتایج به دست آمده، از کل زنان روستایی مطالعه شده ۳۵/۴ درصد اظهار داشته‌اند علاوه بر انجام کارهای مربوط به خانه، در کشاورزی (زراعت) نیز مشارکت دارند و همراه با سایر اعضای خانواده (مرد و فرزندان) این‌گونه فعالیتهای را انجام می‌دهند. ۵/۶ درصد نیز گفته‌اند مشارکتی در فعالیتهای کشاورزی ندارند. بقیة افراد نیز اظهار داشته‌اند در انجام این‌گونه کارها مشارکتی ندارند (۵۹ درصد). زنان روستایی‌ای که اظهار داشته‌اند در زمینه کشاورزی فعالیت دارند به جزء شخم زمین، تقریباً در تمامی فعالیتهای مربوط به کشاورزی مشارکت و حضور فعالی داشته‌اند.

بیشترین حضور و فعالیت زنان خانوارهای مهاجر در زمینه کشاورزی (زراعت) بوجاری محصول، وجین، خرمن‌کوبی و تبدیل فرآورده‌های مختلف محصولات کشاورزی بوده و کمترین میزان فعالیت مربوط به تسطیح زمین، انتقال و حمل محصول، بازاریابی، تهیه و سایل و لوازم کشاورزی و همچنین تهیه سم و بذر و کود بوده است. این کارها و فعالیتهای عمدتاً توسط مردان یا فرزندان ذکور خانواده انجام می‌گیرد و از جمله فعالیتهایی است که عمدتاً مردانه محسوب می‌شود، یا اینکه بسیاری از این فعالیتهای توسط ماشینهای موجود در روستا انجام می‌گیرد. برای مثال، شخم زمین و حمل و انتقال محصول عمدتاً توسط تراکتور و با مدیریت مردان (شوهر، فرزندان یا سایر اقوام نزدیک ذکور خانوار) انجام می‌پذیرد.

### ۹- فعالیت باغداری

بررسیهای انجام شده در زمینه میزان نقش زنان خانوارهای مهاجر در فعالیتهای باغداری نشان می دهد که از کل زنان روستایی مطالعه شده که شوهرانشان جهت کار فصلی به نقاط دیگری مهاجرت می کنند ۱۴ درصد اظهار داشته اند در فعالیتهای باغداری مشارکت دارند و ایفای نقش می کنند. حدود ۸۶ درصد نیز گفته اند به علت نداشتن باغ فعالیتی نیز در این زمینه ندارند. عمده ترین زمینه هایی که زنان مطالعه شده در زمینه باغداری حضور فعال داشته اند در برگیرنده تبدیل محصولات باغی در درجه نخست و سپس (۹۵/۷ درصد) مواظبت از محصول، چیدن محصولات باغی و فروش آن بوده است. نکته قابل توجه درباره نقش زنان در فعالیتهای باغداری، میزان حضور و نقش زنان در فروش محصولات است که در مقایسه با سایر فعالیتهای پررنگ تر به نظر می رسد (۱۱/۷ درصد).

با توجه به نتایج به دست آمده، می توان گفت فعالیتهای باغداری در روستاهای مطالعه شده فعالیتی عمدتاً مردانه محسوب می شود و نقش زنان در این زمینه عمدتاً تبدیل مواد و محصولات است.

### ۱۰- فعالیت دامداری

در ارتباط با میزان نقش و حضور زنان خانوارهای مهاجر فصلی در فعالیتهای دامداری، نتایج بررسیهای انجام شده حاکی است که از مجموع کل زنان روستایی مطالعه شده، ۳۲ درصد اظهار داشته اند که در فعالیتهای مربوط به امور دام مشارکت دارند. ۶۸ درصد نیز به علت نداشتن دام، مشارکتی هم در این گونه فعالیتهای نداشته اند. نکته قابل توجه در این زمینه این است که تقریباً تمامی زنانی که خانواده های آنان دارای فعالیت دامداری بوده اند، حضور و نقش قابل ملاحظه ای در کارهای مربوط به دامداری داشته اند. عرصه هایی که زنان روستایی در زمینه دامداری فعالیت دارند در برگیرنده نظافت اصطبل، جمع آوری و حمل علوفه، تغذیه دام، شیردوشی، مراقبت و نگهداری از دام، شیردادن و از شیرگیری بره ها، زایمان دامها و تبدیل فرآورده های دامی بوده است.

### ۱۱- فعالیت در صنایع روستایی

از کل زنان روستایی مطالعه شده ۴۲ درصد دارای فعالیت صنایع دستی و ۵۸ درصد فاقد فعالیت در زمینه صنایع دستی بوده‌اند. عمده‌ترین این فعالیتها دربرگیرنده قالی‌بافی، نم‌دبافی، گبه‌بافی و گلیم‌بافی بوده است. فعالیت صنایع دستی در روستاهای مطالعه شده عمدتاً کار زنانه محسوب می‌شود و مردها در زمینه خرید وسایل مورد نیاز، چله‌کشی، برپاکردن دار قالی و فروش آن نقش ایفا می‌کنند.

### ۱۲- تصمیم‌گیری در زمینه امور روستا

در پاسخ به این پرسش که «در نبود شوهرتان، تصمیم‌گیری مربوط به کارهای روستا را چه کسی انجام می‌دهد؟» اکثریت زنان مطالعه شده اظهار داشته‌اند که خودشان این وظیفه را انجام می‌دهند (۵۲/۷ درصد). علاوه بر آن، تعداد قابل توجهی نیز اظهار داشته‌اند که این کار و وظیفه به برادرشوهر یا برادر خودشان منتقل شده و آنان این کار را انجام می‌دهند.

### ۱۳- وجهه نظر اهالی روستا به فعالیتهای زنان در خارج از خانه

در پاسخ به این پرسش که «اهالی روستا درباره کار خارج از خانه زنان چه نظری دارند؟»، اکثریت زنان خانوارهای مهاجر فصلی بر این عقیده بوده‌اند که اهالی روستاها موافق کار زنان در خارج از روستا هستند و در این زمینه مخالفتی نمی‌کنند. حدود ۲۲/۸ درصد بر این عقیده بوده‌اند که در روستایشان کار خارج از خانه زنان را عیب نمی‌دانند، ولی چندان هم با آن موافق نیستند و سعی می‌کنند این کارها را به زنان واگذار نکنند. ۲۳/۱ درصد نیز گفته‌اند که در روستایشان با کار خارج از منزل زنان مخالف‌اند و آن را عیب تلقی می‌کنند.

بررسی وجهه نظر اهالی روستا درباره کار خارج از خانه زنان روستایی حاکی است که در بین استانهای مطالعه شده، اهالی روستاهای استان چهارمحال و بختیاری دارای بیشترین میزان مخالفت با کار زنان در خارج از خانه بوده‌اند. قابل ذکر است که در این بررسی منظور از کار و

فعالتهای خارج از خانه، آن دسته فعالیتهایی است که زن روستا مجبور به انجام آن بیرون از محیط خانه است، مثل فعالیتهایی که زن روستایی مجبور است در مزرعه و صحرا انجام دهد.

#### ۱۴- تمایل به مهاجرت

از جمله موارد دیگری که در این بررسی مدنظر قرار گرفته است، جویاشدن نظر زنان خانوارهای مهاجر فصلی درباره تمایل یا عدم تمایل آنها به رفتن با شوهرشان به جایی که کار می‌کند بوده است. به عبارت دیگر، به این پرسش که «آیا دوست دارید همراه شوهرتان به جایی که کار می‌کند بروید؟»، اکثریت زنان بررسی شده پاسخ مثبت داده و اظهار داشته‌اند که تمایل دارند در صورت امکان همراه شوهرشان به مناطق موردنظر مهاجرت کنند (۷۵/۸ درصد). فقط ۲۲/۸ درصد اظهار داشته‌اند که مایل به مهاجرت همراه با شوهرشان نیستند. عمده‌ترین دلایلی که این زنان جهت تمایل به مهاجرت همراه با شوهرانشان مطرح کرده‌اند وجود امکانات بهتر در جایی که شوهرانشان به آن جا مهاجرت می‌کنند، باهم بودن (در کنار شوهر بودن)، دیدار و تفریح و فرار از سختی زیادی که در هنگام نبود شوهر در روستا با آن مواجه هستند، بوده است. دلیل بی میلی به مهاجرت در برخی از زنان نیز دوست داشتن روستا، عادت کردن به محیط روستا، بودن آشنایان و فامیل در روستا، داشتن فرزند و زندگی در روستا، دوری و غربت، و بالا بودن هزینه زندگی در محل مهاجرت است.

#### ۱۵- سابقه مهاجرت زنان مطالعه شده

درباره این پرسش که «آیا تا به حال اتفاق افتاده است که همراه شوهرتان به جایی که کار می‌کند رفته باشید؟» نتایج به دست آمده نشان می‌دهد اکثریت زنان روستایی مطالعه شده تا به حال به محل یا محلهایی که شوهرانشان مهاجرت می‌کنند نرفته‌اند (۷۲/۶ درصد). فقط ۱۷/۴ درصد اظهار داشته‌اند که همراه شوهرشان به جایی که کار می‌کند رفته‌اند. این افراد هدف از این رفتن را دیدار با فامیل در آنجا، دیدار و تفریح، رفتن به دکتر، کمک کردن به شوهر و کار کردن همراه شوهر و دیدن وضعیت زندگی شوهر در جایی که کار می‌کند عنوان کرده‌اند. همه زنانی که

گفته‌اند تا به حال به جایی که شوهرشان کار می‌کند نرفته‌اند علت نرفتن خود را عمدتاً داشتن مسئولیت خانه و فرزندان در روستا، نبود امکانات در مقصد، نداشتن توانایی مالی جهت زندگی در محل مهاجرت، دسته‌جمعی زندگی کردن مردان مهاجر در مقصد و ناپسندشمردن مهاجرت فصلی مردان همراه با همسرانشان در روستا و... عنوان کرده‌اند.

بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت تمایل به مهاجرت زنان مهاجران فصلی همراه با شوهرانشان در سطح بالایی قرار دارد و اکثریت این زنان مایل‌اند همراه با شوهرشان به جایی که جهت کار مراجعه می‌کند مهاجرت کنند. داشتن ذهنیت مثبت از مقصد مهاجران عمده‌ترین دلیل تمایل به مهاجرت زنان روستایی همراه با شوهرانشان است. این مسئله نشان می‌دهد که از یک‌سو اکثریت مهاجران هنگام برگشت به روستا تصورات مثبتی از مهاجرت برای خانواده و همسرانشان ایجاد کرده‌اند و از سوی دیگر، دشواریهای ناشی از غیبت شوهر انگیزه آنان را جهت مهاجرت قوی‌تر کرده است، که چنانچه شرایط ملی مهاجرتهای ادواری گوناگون حفظ شود، انگیزه مهاجرت دائمی خانوارهای روستایی همچنان تقویت خواهد شد.

#### ۱۶- مشکلات زنان خانوارهای مهاجر

بررسیهای انجام شده در زمینه مسائل و مشکلات زنان خانوارهای مهاجر فصلی در نبود شوهرشان حاکی از آن است که مهم‌ترین این مشکلات، در درجه نخست مشکلات مالی است (۲۴/۴ درصد). به علت عدم حضور مرد در روستا و پایین بودن سطح اقتصادی خانوارهای مهاجر، این خانوارها وابستگی شدیدی به پول ارسالی از سوی مردان دارند و لذا در زمانهایی که این امکان برای مهاجران فصلی (به علت پیدانکردن کار مناسب در مقصد و...) وجود نداشته باشد، این خانوارها با مشکلات اساسی مواجه می‌شوند. از مشکلات دیگری که زنان در نبود مرد خانوار با آن مواجه هستند، مشکلات بیماری و دارو و درمان خود و بچه‌هاست (۲۰/۱ درصد). مریض شدن بچه‌ها و بردن آنها به دکتر در شهر (که معمولاً با کمک شوهر انجام می‌گرفت) از جمله مواردی است که زنان روستایی از آن رنج می‌برند. مشکلات دیگر این زنان

تهیه سوخت (نفت و گاز) در فصل زمستان است که در صورت مهاجرت مرد خانوار، مجبورند جهت فراهم کردن آن به سایر افراد در دسترس مراجعه کنند و از آنها بخواهند که این کار را تا آمدن همسرشان انجام دهند (۱۳/۴ درصد).

برف پاروکردن در زمستان مشکل دیگری است که زنان خانوارهای مهاجر با آن مواجه‌اند. پاروکردن برف که یک کار صرفاً مردانه به‌شمار می‌آید، در صورت نبود وابستگان مرد در روستا، زن یا دختران جوان خانوار مجبور به انجام آن می‌شوند (۱۰/۱ درصد). مشکلات دیگری که این زنان با آن مواجه هستند تعمیر وسایل خانه، تأمین مایحتاج زندگی و خرید آن، تنهایی، نگرانی، دوری از همسر، محدودیت دیدوبازدید و رفت‌وآمدهای فAMILI، سربار دیگران بودن، احساس ناامنی و... بوده است. بررسیهای انجام‌شده در پاسخ به این پرسش که «چنانچه در نبود شوهر با مشکلی مواجه شوید، از چه کسانی بیشتر کمک می‌گیرید؟»، بیشتر افراد مطالعه شده اظهار داشته‌اند که عمدتاً سعی می‌کنند امور مربوط به خانواده را خودشان انجام دهند و تلاش می‌کنند به کسی مراجعه نکنند؛ در صورت ناچاری، عمدتاً به برادرشوهر، برادر خود، پدرشوهر و همسایگان رجوع می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که در مناطق روستایی مطالعه شده با مهاجرت مرد خانوار بیشترین کسانی که کمک‌دهنده و پشتیبان زنان مانده در روستا هستند خانواده همسر زن در درجه اول و سپس خانواده خود وی هستند.

از میان افراد خانواده شوهر، نقش پدر و برادر شوهر در رتق وفتق امور خانواده فرد مهاجر در مقایسه با سایر افراد پررنگ‌تر است. گرچه کمک این افراد به خانواده مهاجر تأثیر به‌سزایی در کاهش بار مسئولیت و وظایف زن روستایی دارد، بار اصلی انجام وظایف شوهر در غیاب وی بر دوش زن خانوار است. زنان روستایی دارای شوهران مهاجر در غیاب آنان با مشکلات عدیده‌ای دست به‌گریبان‌اند. به‌جزء مشکل روحی و عاطفی دوری از همسر که در درجه اول اهمیت قرار دارد، تحمل سختی ناشی از تنگنای معیشتی خانوار، مدیریت و سرپرستی سایر اعضای خانواده، تحمل محدودیتهای اجتماعی - فرهنگی ناشی از غیاب شوهر و... از یک‌سو و به‌دوش‌کشیدن وظایف شوهر از سوی دیگر مشکلات آنان را دوچندان می‌کند. این در حالی است که بررسیهای انجام‌شده نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تدابیر رسمی یا دولتی حمایت‌کننده



وجود ندارد و مهاجران یا نهادها و سازمانهای غیردولتی در این زمینه نتوانسته‌اند جدا از ساختار سنتی حمایت‌کننده خانواده، چاره‌ای بیابند.

### ب : تحلیل داده‌ها

#### ۱- آثار مهاجرت فصلی مردان بر تغییر نقشهای جنسیتی

در این باره که مهاجرت فصلی مردان خانوار چه تأثیری در نقشهای جنسیتی موجود در روستا دارد، بررسیهای به‌عمل آمده نشان می‌دهد با مهاجرت مردان روستا، به‌ویژه جوانان به مناطق شهری و خالی‌شدن روستاها از نیروی انسانی فعال، بسیاری از کارها و فعالیتهایی که قبلاً خاص مردان بود و زنان نقش چندانی در انجام آن نداشتند، در حال حاضر به زنان و دختران روستایی محول شده است و به‌طور قابل ملاحظه‌ای توسط زنان روستایی انجام می‌گیرد؛ فعالیتها و کارهایی که چنانچه در گذشته توسط زنان و به‌ویژه دختران جوان روستایی انجام می‌گرفت اسباب تمسخر و سرزنش اهالی روستا را فراهم می‌کرد و نوعی وجهه‌نظر منفی در انجام آن توسط زنان روستایی وجود داشت.

این نوع کارها دربرگیرنده چرای دام، جمع‌آوری هیزم از بیابان، چیدن علوفه، دروی محصولات، پاروکردن برف، آبیاری، کارگری کشاورزی برای دیگران، خرمن‌کوبی و... بوده است. اینکه چرا این کارها به دوش زنان روستایی افتاده است، بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد اکثریت زنان روستایی مطالعه شده اظهار داشته‌اند که به‌علت مهاجرت نیروی فعال مرد روستایی به مناطق شهری و خالی‌شدن روستاها از مردان جوان، این فعالیتها به‌ناچار به زنان روستایی منتقل شده است و زنان روستایی مجبورند این وظایف را انجام دهند، تا جایی که این وظایف برای زنان روستایی و به‌ویژه دختران جوان روستا امری عادی گشته است. علاوه بر مهاجرت مردان روستایی که تأثیر زیادی در این تحول و تغییر نقش زنان داشته است، مسائلی از قبیل گرانی هزینه کارگری، کمبود نیروی کارگر مرد در روستا و کم‌رنگ‌شدن فعالیتهای مربوط به صنایع دستی زنان روستایی نیز در روی آوردن زنان به این نوع کارها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. بنابراین نکته قابل توجه در این زمینه این است که انجام این کارها توسط زنان و دختران

روستایی از روی ناچاری است و اکثریت زنان مطالعه شده از اینکه این فعالیتها را انجام می دهند ناخشنود هستند.

## ۲- تأثیر مهاجرت فصلی مردان بر سبک زندگی زنان

برای اندازه گیری تأثیر مهاجرت بر سبک زندگی زنان خانوارهای مهاجر فصلی (زنانی که در روستا مانده و همراه شوهرشان مهاجرت نمی کنند) از دو شیوه مختلف استفاده شد: شیوه نخست، پرسش از خود زنان خانوارهای مطالعه شده در این باره بود که «آیا تابه حال شده است که شوهرتان زمانی که از شهر برمی گردد از شما و طرز رفتارتان ایراد بگیرد یا اینکه در زمینه نحوه رفتار، طرز لباس پوشیدن، آرایش کردن، تزیین خانه و... از شما ایراد بگیرد؟» نتایج به دست آمده حاکی است که اکثریت زنان روستایی مطالعه (۸۲/۵ درصد) اظهار داشته اند که شوهرانشان هنگام برگشتن از شهر، از آنها در زمینه های فوق ایراد می گیرند و نوع توصیه هایی که این افراد به عمل می آورند دربرگیرنده نحوه لباس پوشیدن به سبک شهریان، استفاده از وسایل آرایشی و ابراز تمایل در این زمینه، دقت زیاد در تمیزی خانه و... بوده است. علاوه بر موارد فوق، نتایج حاصله درباره مقایسه بین دو نمونه زنان مهاجران روستایی و دیگر زنان روستا نیز حاکی از آن بوده است که زنانی که شوهرانشان هر سال جهت کار به مناطق شهری، به ویژه شهرهای بزرگ می روند و مدت زمان زیادی را در شهر می مانند در مقایسه با سایر خانوارهای معمولی ساکن در روستا از نظر لباس پوشیدن به سبک شهری، استفاده از وسایل و لوازم آرایشی، استفاده از لوازم لوکس در خانه و... تفاوت قابل ملاحظه ای داشته اند.

## ۳- آثار مهاجرت فصلی مردان بر تقسیم کار جنسیتی

به منظور بررسی آثار مهاجرت فصلی مردان بر تقسیم کار جنسیتی بین زن و مرد در روستا، سعی گردید ابتدا از تقسیم کار بین زن و مرد در زمانی که مرد خانوار در روستا است پرسیده شود و مشخص شود که در زمان حضور مرد در روستا چه فعالیت هایی را زن و چه فعالیت هایی را مرد

به تنهایی برعهده دارند و همچنین چه فعالیتهایی بین هر دو مشترک بوده است. بعد از مشخص شدن تقسیم کار بین زن و مرد در زمان حضور مرد روستا، سعی گردید از زن خانوار پرسش شود که آن دسته از فعالیتهایی که مرد خانوار برعهده داشت در نبود او به چه کسی یا کسانی منتقل می شود. این فعالیتها به تفکیک نوع کارهای روزمره روستا در زمینه زراعت، باغداری، دامداری، صنایع دستی و... پرسیده شده است که به منظور سهولت درک مطالب، سعی می شود به تفکیک نوع فعالیت بیان شود.

#### ۱. تأثیر مهاجرت بر تقسیم کار جنسیتی فعالیتهای زراعی

براساس بررسیهای به عمل آمده درباره تأثیر مهاجرت فصلی مردان بر تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای زراعی، نتایج به دست آمده حاکی است که اکثریت فعالیتهای زراعی که در صورت حضور مرد در روستا توسط وی انجام می گیرد، در صورت مهاجرت وی، در درجه نخست به زن خانوار و در صورت وجود افراد فامیل نزدیک، به آنان منتقل می شود. فقط ۲ درصد زنان روستایی اظهار داشته اند که در کارهای آماده سازی زمین (شخم، تسطیح، کانال کشی، کرت بندی) در روستاهای مطالعه شده، که فعالیتی مردانه محسوب می شود، در زمان حضور مرد خانوار روستا، به تنهایی نقش دارند، در حالی که بعد از مهاجرت مرد خانوار به شهر، این میزان به ۱۹/۴ درصد افزایش می یابد. درباره مرحله کاشت محصول، ۲۱/۱ زنان اظهار داشته اند زمانی که مرد خانوار حضور دارد، این فعالیتها را به تنهایی انجام می دهد، در حالی که هنگام مهاجرت مرد خانوار و نبود وی در روستا، این میزان به ۴۸/۵ درصد افزایش می یابد. در مرحله داشت، میزان فعالیت زنان روستایی (فعالیتی که فقط زن روستایی انجام می دهد) هنگام حضور مرد خانوار در روستا ۹/۱ درصد است که این میزان در هنگام نبود مرد در روستا به ۴۷/۳ درصد افزایش می یابد. میزان نقش زن (به تنهایی) در مرحله برداشت محصولات زراعی هنگامی که مرد خانوار وجود دارد ۳/۳ درصد است که این میزان بعد از مهاجرت فصلی وی به ۴۲/۱ درصد افزایش می یابد.

در زمینه تبدیل محصولات زراعی درصد نقش زنان روستایی مطالعه شده به تنهایی ۷۸/۶

درصد گزارش شده که با مهاجرت مرد روستایی به شهر این میزان به ۹۲/۲ درصد افزایش یافته است. در زمینه بازاریابی و فروش محصولات نیز نتایج به دست آمده نشان می‌دهد براساس تقسیم کاری که بین زن و مرد خانوار وجود دارد، هنگام حضور مرد در روستا فقط ۲/۴ درصد فعالیتهای مربوط به فروش و بازاریابی محصول برعهده زن خانوار است؛ این در حالی است که با نبود مرد خانوار، این میزان نقش به ۳۳/۶ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت با مهاجرت موقتی مرد خانوار به مدت معینی (متوسط سه ماه) به شهرهای دوردست و اقامت او در این نقاط، بسیاری از وظایفی که براساس تقسیم کار سنتی موجود در روستا جزو فعالیتهای مرد خانوار محسوب می‌شده به زن روستایی منتقل می‌شود. به‌طورکلی می‌توان گفت که میانگین کل مشارکت و نقش زنان روستایی به‌تنهایی در فعالیتهای زراعی در زمان حضور شوهرانشان در روستا ۱۰/۹ درصد بوده که این میزان (فعالیهایی که فقط زن روستایی انجام می‌دهد) به ۴۱/۴ درصد افزایش یافته است. جدول ۲، تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای زراعی خانوارهای مهاجران فصلی و میزان تأثیر مهاجرت بر این تقسیم کار را نشان می‌دهد.

## ۲. تأثیر مهاجرت بر تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای باغی

بررسیهای انجام شده در زمینه تأثیر مهاجرتهای فصلی مردان روستایی بر تقسیم کار جنسیتی بین زن و مرد در زمینه فعالیتهای باغی در روستاهای مطالعه شده نشان می‌دهد بر طبق تقسیم وظایف موجود بین زن و مرد ۱۳/۹ درصد فعالیتهای باغداری در زمان حضور شوهر در روستا توسط زنان روستایی به‌تنهایی انجام می‌شود. به‌عبارت دیگر، از کل فعالیتهای باغداری بررسی شده، فقط ۱۳/۹ درصد در زمان حضور مرد در روستا صرفاً توسط زن روستایی انجام می‌پذیرد و از نظر تقسیم‌بندی جنسیتی این فعالیتها جزو فعالیت زنان به‌تنهایی محسوب می‌شود. اما زمانی که مرد خانوار به‌منظور کار به منطقه دیگری مهاجرت می‌کند، این تقسیم کار و وظایف متحول می‌شود و میزان آن به ۳۶/۲ درصد افزایش می‌یابد. این بدان معنا است که بسیاری از کارهایی که در زمان حضور مرد، براساس تقسیم کار سنتی موجود در روستا برعهده مرد بود و

وی آن را انجام می‌داد به‌ناچار به زن روستایی منتقل شده است. بیشترین میزان انتقال این وظایف به زن روستایی در زمان مهاجرت مرد خانوار مربوط به چیدن محصولات درختی و بسته‌بندی آنها و کمترین میزان مربوط به هرس‌کردن، درست‌کردن جوی آب از منبع تا سرزمین، سم‌زدن درختان و دادن کود به درختان بوده است. علت پایین‌بودن میزان این انتقال نقش، گرفتن کارگر و انجام آن توسط سایر افراد فامیل و بستگان نزدیک حاضر در روستا است. جدول ۳، تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای مربوط به باغداری خانوارهای مهاجران فصلی و تأثیر مهاجرت مردان بر تغییر آن را نشان می‌دهد.

### ۳. تأثیر مهاجرت بر تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای دامداری

مطالعات انجام شده در زمینه مهاجرت فصلی مردان روستاهای مطالعه شده و تأثیر آن بر تقسیم کار جنسیتی موجود در فعالیتهای دامداری بین زن و مرد خانوار حاکی است که در زمان حضور مرد در روستا ۴۲ درصد فعالیتهای دامداری توسط زنان انجام می‌شود. با مهاجرت مرد روستایی به شهرها برای کار موقت این میزان به ۷۸ درصد افزایش یافته است. براساس تقسیم کار موجود بین زن و مرد خانوار، شیردوشی و تبدیل فرآورده‌های دامی (گرفتن فرآورده‌های دیگر از شیر) فعالیتی صرفاً زنانه است و بود یا نبود مرد خانوار در روستا تغییر چندانی در این فعالیتهای زنان ایجاد نمی‌کند. چرای دامها، پشم‌چینی، دارو و درمان و همچنین خرید و فروش دامها نیز فعالیتهای خاص مردان است که در صورت حضور مرد در روستا، عمده این فعالیتهای توسط او انجام می‌شود و هنگام مهاجرت مرد نیز کمتر به دوش زنان می‌افتد. سایر فعالیتهای مربوط به دامداری بین زن و مرد مشترک بوده که این فعالیتهای مشترک در زمان غیبت مرد عمدتاً به زن خانوار محول می‌شود. بیشترین میزان انتقال وظایف از مردان به زنان روستایی هنگام مهاجرت مرد خانوار در زمینه دامداری، کارهای مربوط به زایمان دامها، مراقبت و نگهداری از دامها، تهیه آب برای دامها و تغذیه دامها بوده است. جدول ۴، تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای مربوط به دامداری خانوارهای مهاجران فصلی و تأثیر مهاجرت مردان بر تغییر آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲: تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای مربوط به کشاورزی خانوارهای مهاجران فصلی (درصد)

توضیحات	زمانی که مرد خانوار نباشد			توضیحات	زمانی که مرد خانوار باشد				میزان سهم مراحل کشاورزی
	موارد دیگر	کارگر	زن خانوار		موارد دیگر	هر دو	فقط مرد	فقط زن	
تراکتور، فامیل و خانواده همسر	۱۸/۲	۶۱/۱	۲۰/۷	تراکتور، فامیل و خانواده همسر	۸/۱	۱۷/۸	۷۴/۱	-	شخم
تراکتور، فامیل	۱۵	۶۱	۲۴/۱	تراکتور، فامیل و خانواده همسر	۳/۶	۲۴/۱	۷۱/۷	۰/۵	تسطیح
خانواده همسر و هنگام برگشت مرد	۹/۵	۷۳/۶	۱۶/۹	-	-	۱۰/۷	۸۶	۳/۳	کانال کشی آب
خانواده همسر	۸	۷۶/۱	۱۵/۹	فرزندان، کارگر، سایر اعضای خانواده	۳/۵	۱۰/۱	۸۳/۵	۲/۹	کرت بندی
خانواده همسر	۶/۱	۸/۳	۸۵/۶	فامیل	۱/۱	۳۵/۱	۱۲/۴	۵۱/۴	بوچاری
خانواده همسر، فامیل	۱۳/۹	۶۱/۱	۲۵	-	-	۱۱/۶	۸۴/۱	۴/۲	سم زدن بذر
خانواده همسر، فامیل	۱۱/۳	۶۰	۲۸/۶	فامیل	۰/۵	۱۸/۶	۷۷/۳	۳/۶	بذریاشی
فرزندان، خانواده همسر	۱/۱	۳۶/۲	۵۵/۱	-	-	۳۷/۳	۳۷/۳	۲۵/۴	نشاکاری
خانواده همسر، فامیل	۸	۵۱/۸	۴۰/۱	خانواده همسر	۱/۴	۲۸/۱	۶۶/۹	۳/۶	آبیاری
خانواده همسر	۱/۷	۱۱/۴	۸۶/۹	-	-	۶۴/۶	۱۱/۸	۲۳/۶	وجین
فامیل، خانواده همسر، آشنا، همسایه	۱۱/۱	۶۱/۱	۲۷/۸	فامیل، خانواده همسر	۱	۱۴/۴	۸۱/۴	۳/۲	سم پاشی
زن، خانواده همسر	۱۸/۴	۴۷	۳۴/۶	خانواده همسر	۰/۵	۲۴/۹	۶۸/۳	۶/۳	مواظبت (از محصول)

ادامه جدول ۲:

توضیحات	زمانی که مرد خانوار نباشد			توضیحات	زمانی که مرد خانوار باشد				میزان سهم		مراحل کشاورزی
	موارد دیگر	کارگر	زن خانوار		موارد دیگر	هر دو	فقط مرد	فقط زن			
ماشین، زن و فرزندان، فامیل خانواده همسر	۱۶/۵	۳۲/۴	۵۱/۱	فامیل، ماشین	۱/۶	۵۱/۶	۴۳/۲	۳/۷		درو (چیدن)	۱ دانش
فامیل، زن و فرزندان	۵/۳	۳۴/۹	۵۹/۹	فرزندان، زن و فرزندان	۴	۳۶	۳۷/۷	۲/۳		بسته بندی	
فامیل، ماشین، در آن هنگام برمی گردد	۱۰/۲	۴۶/۴	۴۰/۴	خانواده همسر	۱/۸	۳۸/۵	۵۳/۸	۵/۹		خرمن کوبی	
زن و فرزندان، خانواده همسر، فامیل	۱۷/۹	۶۴/۸	۱۷/۳	فرزندان، کارگر، تراکتور	۲/۸	۱۹/۳	۷۳/۳	۱/۶		انتقال و حمل	
زن و خانواده همسر	۴/۲	۳/۵	۹۲/۲	فرزندان	۰/۷	۱۱/۷	۹	۷۸/۶		تبدیل (گرفتن فرآورده های دیگر از محصول)	
ارباب، فامیل، خانواده همسر، خانواده زن،	۶۱/۴	۱/۸	۳۶/۷	ارباب، خانواده همسر	۳/۲	۲/۲	۹۲/۹	۱/۶		بازاریابی (پیدا کردن مشتری)	
کارگر، فرزندان، خانواده همسر، فامیل	۶۷/۷	۱/۸	۳۰/۵	-	-	۱/۶	۹۴/۶	۳/۸		فروش	
فامیل، ارباب، خانواده همسر	۴۱/۱	۹/۹	۴۹/۱	فرزندان، خانواده همسر، مرد با فرزندان	۲/۶	۱/۶	۹۴/۷	۱/۱		خرید یا اجاره وسایل کشاورزی	۳ بذر
زن، کارگر، ارباب، خانواده زن، همسایه و آشنا	۶۶/۷	۲/۴	۳۱	فرزندان	۲/۹	۱/۱	۹۴/۷	۱/۶		خرید سم، کود و بذر	





جدول ۴: تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای مربوط به دامداری خانوارهای مهاجران فصلی (درصد)

توضیحات	زمانی که مرد خانوار نباشد			توضیحات	زمانی که مرد خانوار باشد				میزان سهم	فعالیت دامداری
	موارد دیگر	کارگر	زن خانوار		موارد دیگر	هر دو	فقط مرد	فقط زن		
	زن و فرزندان، چوپان، خانواده همسر	۹/۶	۲۳/۵		۶۶/۹	چوپان، خانواده همسر	۱/۲	۲۸/۷	۴۴/۴	
خانواده همسر	۲/۹	۲/۳	۹۴/۷	کارگر، خانواده همسر	۱/۲	۳۲/۷	۹/۹	۵۶/۱	۲. نظافت اصطبل	
خانواده همسر	۱/۷	۰/۶	۹۷/۷	-	-	۵۵/۸	۵/۸	۳۸/۴	۳. تغذیه دام	
خانواده همسر	۲/۴	-	۹۷/۶	خانواده همسر	۱/۲	۶	۸/۱	۹۱	۴. شیردوشی	
خانواده همسر	۱/۸	۰/۶	۹۷/۷	-	-	۵۶/۱	۴/۷	۳۹/۲	۵. تهیه آب و آب دادن	
خانواده همسر	۱/۸	۰/۶	۹۷/۶	خانواده همسر	۰/۶	۵۵/۳	۷/۱	۳۷/۱	۶. مراقبت و نگهداری	
همسایگان، فرزندان، خانواده همسر	۲۲/۲	۳۴/۱	۴۳/۷	چوپان، خانواده همسر	۱۱/۷	۱۴/۵	۵۳/۱	۲۰/۷	۷. چرای دامها	
فامیل، خانواده همسر، خانواده زن	۷۵/۳	۳	۲۱/۶	خانواده همسر	۰/۶	۴/۳	۹۲/۵	۲/۵	۸. خرید و فروش	
خانواده همسر، در آن هنگام برمی گردد	۸/۴	۶۴/۵	۲۷/۱	کارگر	۲/۸	۶/۴	۸۳/۵	۷/۳	۹. پشم چینی	
خانواده همسر	۲/۵	۱/۳	۹۶/۲	خانواده همسر	۰/۶	۵۵/۷	۷	۳۶/۷	۱۰. شیردادن و جدا کردن بچه از مادر	
پسرها، فامیل، خانواده همسر	۵/۵	۱/۹	۹۲/۶	خانواده همسر	۰/۶	۵۸/۹	۱۱/۷	۲۸/۸	۱۱. زایمان دامها	
فامیل، خانواده همسر، خانواده زن	۲۳/۳	۰/۶	۷۶/۱	خانواده همسر	۱/۲	۱۳/۹	۵۷/۶	۲۷/۳	۱۲. دارو و درمان	
خانواده همسر	۵/۱	۲۶/۵	۶۸/۴	خانواده همسر	۰/۶	۱۹/۹	۵۰	۲۹/۵	۱۳. شست و شوی دامها	
خانواده همسر	۱/۸	-	۹۸/۲	خانواده همسر	۰/۶	۴/۲	۱/۲	۹۴	۱۴. گرفتن فرآورده های دیگر از شیر	
خانواده همسر	۱/۷	۰/۹	۹۷/۴	خانواده همسر	۰/۹	۴/۳	-	۹۴/۸	۱۵. پرورش مرغ و خروس و...	

#### ۴. تأثیر مهاجرت بر تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای داخل منزل

مطالعات انجام شده در زمینه مهاجرت فصلی مردان روستاهای مورد مطالعه و تأثیر آن بر تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای مربوط به داخل خانه بین زن و مرد خانوار حاکی است که در زمان حضور مرد در روستا ۶۳/۳ درصد فعالیتهای مربوط به خانه توسط زنان انجام می‌شود. با مهاجرت مرد روستایی برای کار موقت به شهرها این میزان به ۸۷/۳ درصد افزایش می‌یابد. براساس تقسیم کار موجود بین زن و مرد خانوار، پخت نان، پخت غذا، نگهداری کودکان، شست‌وشوی لباس و ظروف، نظافت خانه و دوخت و دوز لباس فعالیتهای صرفاً زنانه محسوب می‌شود و ۹۰/۸ درصد این فعالیتها توسط زن خانوار به‌تنهایی انجام می‌گیرد. بنابراین با مهاجرت مرد خانوار و نبود وی در خانه نیز چنین فعالیتهایی چندان تغییر نمی‌کند. اموری از قبیل دخل و خرج خانه، خرید لوازم خانه، و تهیه و تدارک سوخت برای خانه فعالیتهایی عمدتاً مردانه است که در صورت حضور مرد در روستا، اکثر این فعالیتها توسط مرد به‌تنهایی (۶۰ درصد) یا با همکاری و مشارکت زن خانوار (۲۸ درصد) انجام می‌شود. با مهاجرت مرد خانوار، عمده این فعالیتها (۷۵/۵ درصد) به زن خانوار یا پدرشهر و برادرشهر منتقل می‌گردد. جدول ۵، تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای مربوط به خانه منزل خانوارهای مهاجران فصلی و تأثیر مهاجرت مردان بر تغییر آن را نشان می‌دهد.

#### ۵. آثار مهاجرت فصلی مردان بر حجم فعالیتهای روزمره زنان

بررسیهای انجام شده درباره آثار مهاجرت فصلی مردان بر حجم فعالیتهای زنان روستایی نشان می‌دهد متوسط حجم فعالیت زنان (وظایفی که به‌تنهایی عهده‌دار آن هستند و مردان مشارکتی در آن ندارند) در زمینه دامداری، فعالیتهای زراعی، کشاورزی و امور خانه به‌تنهایی در زمانی که مردان در روستا هستند ۳۱/۳ درصد بوده که این حجم فعالیت زمانی که مردان مهاجرت می‌کنند به ۵۷ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، حجم فعالیت زنان روستا با مهاجرت مردان ۱/۸ برابر می‌شود. این حجم زیاد فعالیت در عرصه‌های مختلف کشاورزی، دامداری و وظایف مربوط به خانه است. انجام فعالیتهای مضاعف همراه با مسائل و مشکلات

ناشی از غیبت شوهر مشکلات زنان خانوارهای مهاجران فصلی را دوچندان می‌سازد. جدول ۶، درصد افزایش حجم فعالیتهای زنان مهاجران فصلی را به تفکیک نوع فعالیت نشان می‌دهد.

جدول ۵: تقسیم کار جنسیتی در فعالیتهای داخل خانه خانوارهای مهاجران فصلی (درصد)

توضیحات	زمانی که مرد خانوار نباشد		زمانی که مرد خانوار باشد				تقسیم کار
	موارد دیگر	زن خانوار	موارد دیگر	هر دو باهم	فقط مرد	فقط زن	
۱. دخل و خرج زندگی	۱۸/۶	۸۱/۴	۰/۴	۳۸/۷	۵۴/۱	۶/۸	
۲. خرید لوازم منزل	۲۱/۲	۷۸/۸	۱/۲	۳۹/۶	۵۰/۸	۸/۴	
۳. پخت غذا	۲/۳	۹۷/۷	۳/۹	۰/۵	۰/۵	۹۵/۱	
۴. پخت نان	۱۸/۶	۸۱/۴	۱۸/۲	۲/۳	۰/۲	۷۹/۳	
۵. نگهداری کودکان	۸/۴	۹۱/۶	۸/۶	۴	۰	۸۷/۴	
۶. شستن ظروف و لباس	۱/۴	۹۸/۶	۱/۴	۲/۶	۰	۹۶	
۷. دوخت و دوز	۷/۹	۹۲/۱	۷/۸	۰/۲	۰/۲	۹۱/۸	
۸. تهیه سوخت	۳۳/۸	۶۶/۲	۱۳	۳/۵	۷۳/۷	۹/۸	
۹. نظافت خانه	۱/۶	۹۸/۴	۱/۴	۲/۸	۰/۵	۹۵/۳	

جدول ۶: درصد افزایش حجم فعالیت زنان مهاجران فصلی

نوع فعالیت	حجم فعالیت زن زمانی که مرد حضور دارد	حجم فعالیت زن زمانی که مرد مهاجرت کرده است	درصد افزایش زمانی که مرد مهاجرت کرده است	حجم افزایش زمانی که مرد مهاجرت کرده است
دامداری	۴۲	۷۸	۳۶	۱/۸ برابر
زراعی	۲۱/۱	۴۸/۵	۲۷/۴	۲/۲ برابر
باغداری	۱۳/۹	۳۶/۲	۲۲/۳	۲/۶ برابر
مدیریت امور منزل	۳	۵۰/۷	۴۷/۷	۱۷ برابر
متوسط کل فعالیت	۲۰	۵۳/۴	۳۳/۴	۲/۶

## پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده و یافته‌های حاصل از بررسی انجام شده در زمینه مهاجرت فصلی و آثار آن بر فعالیتهای زنان روستایی، می‌توان موارد زیر را پیشنهاد کرد:

۱- با توجه به اینکه زنان روستایی مورد بررسی با مهاجرت مردان خانوار ناچارند بسیاری از وظایف و مسئولیتهای آنان را به‌دوش کشند، به‌ویژه وظایف و مسئولیتهایی که براساس تقسیم کار سنتی بین زن و مرد در روستا جزو وظایف مردان بوده و زنان روستایی تجربه‌ای در این زمینه ندارند، دست‌درکاران توسعه روستایی به‌ویژه ترویج و آموزش روستاییان می‌بایست جهت آماده‌سازی این افراد برای ایفای مناسب این نقشها برنامه‌ریزی کنند.

۲- یافته‌های به دست آمده در زمینه مهاجرت فصلی و زنان مانده در روستا نشان می‌دهد که با مهاجرت مرد خانوار از روستا، همسر و فرزندان وی با انبوهی از مشکلات متعدد در زمینه رتق وفتق امور مربوط به خانواده مواجه می‌شوند که این مسائل و مشکلات عمدتاً مالی و خدماتی است و متأسفانه هیچ متولی و پشتیبان رسمی یا غیررسمی نیز جهت حمایت از آنها در کشور وجود ندارد. می‌توان در این زمینه تشکلهای غیردولتی را ایجاد و سازماندهی کرد که با حمایت مؤثر دولت، هم در جهت آموزش زنان روستایی موردنظر همت گمارد و هم با تدابیر مالی و اعتباری، حمایتی از خانوارهای آسیب‌پذیر به‌عمل آورد.

۳- نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نقشهای جنسیتی زنان روستایی دچار تحول و تغییر شده است. بسیاری از نقشهایی که صرفاً مردانه بود در حال حاضر توسط زنان روستایی انجام می‌شود. نقشهایی از قبیل دروی محصول، آبیاری، چرای گوسفندان و... نمونه‌هایی از این تحول نقش است. این در حالی است که برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی ما براساس تقسیم کار جنسیتی سنتی گذشته بین زنان و مردان است. تغییر در این زمینه و بهینه‌سازی برنامه‌ریزی از ضروریات است.

۴- مهاجرت‌های فصلی به‌رغم آنکه در اغلب مناطق روستایی کشور به‌منظور کسب درآمد تکمیلی خانوارها انجام می‌شود، در درازمدت به مهاجرت دائمی خانوارهای مهاجر منجر خواهد شد. نتایج به دست آمده در زمینه تمایل زنان خانواده‌های این افراد به مهاجرت نیز مؤید

این مسئله است. آنچه اهمیت دارد ساماندهی این مهاجرت‌ها و ایجاد اشتغال و تنوع شغلی در مناطق روستایی به منظور مهار این مهاجرت‌هاست. کاهش مشکلات خانوارهای مهاجر فصلی با پشتیبانی‌های لازم نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در این زمینه داشته باشد.

### پی‌نوشتها

- ۱- محمد عفتی (اسفند ۱۳۸۱). «بررسی اثرات مهاجرت‌های فصلی مردان بر فعالیتهای زنان روستایی»، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.  
۲- رجوع کنید به:  
- *Women and Seasonal Labour Migration*, Sage Publication, New Delhi.
- ۳- رجوع کنید به:  
- Aleida Van Rooij (1999). *Women in Decision - Making Processes, the Effects of Migration in the Todgha Vally*, University of Amsterdam.
- ۴- رجوع کنید به:  
- Leela. Gulti (1993). *In the Absence of Their Men: The Impact of Male Migration on Women*, Sage Publications, New Delhi.
- ۵- رجوع کنید به:  
- *Migration and Occupation Change During Periods of Economic Translation: Woman and Man in Vhtnam*. Yanqi K. Diamba Ssidney Goldstein Aliee Goldstein.
- ۶- رجوع کنید به:  
- *Modules on Gender, Population and Rural Development with Afocus on Land Tenure and Farming System, Food and Agriculture Organization of the United Nations*.
- ۷- هنگام مراجعه به یکی از روستاهای شهر سامان، جهت جمع‌آوری اطلاعات میدانی و مصاحبه به خانه چند نفر از مهاجران خارج از کشور رفتیم. پذیرایی‌ای که از ما به عمل آمد با چای خارجی اعلا و انواع شربت با مارک خارجی همراه با لوازم لوکس خانه تعجب ما را برانگیخت.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت. انتشارات نوید.
- بررسی انگیزه‌های مهاجرت روستاییان و عشایر به شهر ایلام. سازمان برنامه و بودجه ایلام (مهر ۱۳۷۲).
- تورمینایی. ویدا (مهر و آبان ۱۳۷۹). «مروری بر علل مهاجرت و پیامدهای آن». مجله زیتون. شماره ۱۴۵.
- فیندلی. سلیسی (۱۳۷۲). برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی. ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده.
- ارشاد. فرهنگ (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. انتشارات کیهان.
- ارشاد. فرهنگ (بی تا)، مهاجرت، شهرنشینی و توسعه. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- بیرو. آلن (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. انتشارات کیهان.
- رفیع پور. فرامرز (۱۳۷۸). آنا تومی جامعه. شرکت سهامی انتشار.
- تقوی. نعمت‌اله (۱۳۷۱). مهاجرت‌های روستا - شهری: درآمدی جامعه‌شناختی بر نظریه‌ها.
- ماهر. فرهاد (۱۳۷۸). مهاجرت و توسعه روستایی. مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی.
- کازرونی. محمدرضا (۱۳۶۴). ایران مهاجرت مکانی و مهاجرت شغلی: نگرشی به پدیده مهاجرت در دو دهه اخیر ایران.
- طاهری. تقی (۱۳۶۴). مسئله مهاجرت روستایی در ایران. سازمان برنامه و بودجه. مدیریت کشاورزی و عمران روستایی.
- آسایش. حسین (شهریور و مهر ۱۳۷۸). «حرکات داخلی جمعیت ایران با تأکید بر مهاجرت روستایی». مجله جهاد. شماره ۲۲۰ - ۲۲۱.
- توادرو. مایکل (۱۳۶۷). مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه. ترجمه مصطفی سرمدی. انتشارات دفتر بین‌المللی کار.

ب - لاتین

- *Women and Seasonal Labour Migration*. Sage Publication. New Delhi.
- Aleida Van Rooij (1999). *Women in Decision - Making Processes. The Effects of Migration in the Todgha Vally*. University of Amsterdam.
- Gulati, Leela (1993). *In the Absence of Their Men: The Impact of Male Migration on Women*. Sage Publications. New Delhi.
- *Migration and Occupation Change During Periods of Economic Translation: Woman and Man in Vhnam*. Yanqi K. Diamba Sidney Goldstein Aliee Goldstein.
- *Modules on Gender, Population and Rural Development with Afocus on Land and Farming System. food and Agriculture Organization of the United Nations*.
- Rosengren K. Erik (1994). *Media Effects and Beyond*. London: Routledge. P.280.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی